

توانا بود هر که دانا بود

کتاب سوم ابتدایی





PIR

۱۱۸۶۷۴

هنر

بها در تمام کشور ۱۵ ریال

ادبیات
فارسی
۲۸
۴
۲۴

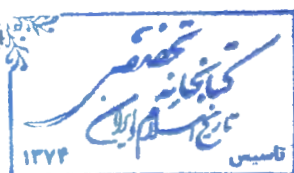
کتابهای ابتدایی که امروز منتشر میشود نتیجه مطالعات دقیق چند تن از فرهیختگان است
که در فن تعلیم و تربیت و امرای اطلاع و تجربه میباشند. مزیت این کتابها بر کتبی که تاکنون در
دستمانند ریس میشد برابر با بصیرت پوشیده نیست. توجه کافی شده است باینکه
مطالب از درجه فهم کودکان و از محیط زندگانی آنان بیرون نباشد و ضمناً برای پرورش فکر
و تهذیب اخلاقشان مفید افتد. با اینهمه نمیتوان این کتب را خالی از عیب و نقص دانست
و ناگزیر باید در عمل و تدوین معایب و نقائص آنها آشکار و رفع گردد.

تصویب قانون آموزش و پرورش اجباری تجانی (ششم امرداد ۱۳۲۲) و لزوم
اجرائی فوری آن ایجاب میکرد که از هر اقدامی که موجب مجزئی تسهیل در امر تعلیمات
ابتدایی باشد خودداری نشود از این روی در چاپ این کتب تسریع شد. البته در چاپهای
بعد و قسمتهای بیشتر مبذول خواهد گردید و اصلاحاتی از حیث صورت و مضمون در آنها
بعمل خواهد آمد.

توانا بود، هر که دانا بود

اسکن شد

کتاب سوم ابتدایی



حق چاپ محفوظ

۲۴۸
۷۰۵۶۱-۸

۱۲۲۲

شرکت چاپخانه تابان



نخستین روز درس

فرزندان عزیز من خدا را شکر که همه
 شما را تندرست و خوشحال می بینم معلوم
 میشود تعطیل تابستان را خوش گذرانده اید
 زیرا همه بزرگ و قوی هستید و برای درس
 خواندن هم خوب آماده شده اید اطاق درس
 ما هم قدری بهتر شده است بینید چه قدر پاک

و تمیز است دیوارها را سفید کرده اند میز
و نیمکتها را رنگ زده اند و مرتب چیده اند
میز آموزگار و تخته سیاه هردو را در جای
مناسب گذاشته اند .

شما هم که کتاب و اسباب کار خود را
حاضر کرده اید کارگران را هم دیده اید که
هیچ کدام بی افزار و اسباب سرکار نمیروند.
بنا با خود تیشه و ماله میبرد هیزم شکن تبر
دارد آهنگر با چکش و سندان کار میکند اما
اسباب شما نوآموزان همان کتاب و کتابچه و
مداد و قلم و دوات و ستاره است که در کیف
خود گذاشته اید یقین دارم که طرز بکار بردن
آن را میدانید و میتوانید تکالیف خود را خوب
انجام بدهید و کتابتانرا که داستانهای شیرین
دارد بخوانید و یاد بگیرید .

علم الاشياء - گفتگو دربارهٔ کیف مدرسه (چرم - تسمه - حلقه . . .)
و آنچه در آن میگذارند (کتاب - کتابچه - قلم - سر قلم - مداد - مداد پاک
کن - ستاره) و چگونگی آنها (نو - کهنه - براق - تار - محکم)
این کیف (یکی از کیفهای شاگردان) از چه ساخته شده است ؟ - آیا
نواست یا کهنه ؟ - آیا چرم آن براق است یا تار ؟ - در این کیف چه چیز ها
میگذارند ؟

استعمال لغات - ۱ - بجای نقطه ها کلمهٔ مناسبی قرار دهید :

شاگرد از روی میخواند - او در مینویسد - او در
کتابچه با مینویسد - او روی تخته سیاه با مینویسد - او با
یک خط راست میکشد - او با پاک میکند .

۲- در کلاس هر چه می بینید نام ببرید و جای آنرا نیز معین کنید :
مثال : میز آموزگار در گوشهٔ اطاق قرار گرفته است

تکلیف را چگونه باید نوشت

در تکلیفهای کتبی دستورهای پایین را بدقت اجرا کنید :

۱ - پیش از شروع بکار دوات و قلم و مداد و ستاره و کتاب . . .
را حاضر کنید .

۲ - اسمتان را همیشه طرف دست راست بالای صفحه بنویسید .

۳ - تاریخ را زیر اسم بنویسید .

۴ - نام کلاس را در طرف دست چپ مقابل اسمتان بنویسید .

۵ - عنوان حکایت را در وسط سطر بنویسید .

۶ - کلمهٔ اول تکلیف باید دوسانتیمتر از لبهٔ کاغذ فاصله داشته باشد .

۷ - فاصلهٔ بقیهٔ سطر ها فقط یک سانتیمتر باشد .

۸ - در طرف چپ و زیر صفحه هم کمی حاشیهٔ سفید بگذارید .

۹ - اگر کاغذتان خط دار باشد روی خطهای کاغذ بنویسید .

از روی صفحه زیر که مطابق دستور صفحه پیش نوشته شده با قلم نی و مرکب
خوب يك بار بنویسید

فریدون پاکزاد

۱ مهر ۱۳۲۲

نخستین در درس

کلاس سوم

فرزندان عزیز من خدا را شکر که همه شمارا ندرست و خوشحال می بینم معلوم میشود
نظیل تابستان را خوش گذرانده اید زیرا همه بزرگ و قوی هستید و برای درس خواندن هم خوب
آماده شده اید اطاق درس را هم قهری بهتر شده است بسینیه چقدر پاک و تمیز است -
دیواری را سفید کرده اید نیز و نیمکتها را رنگ زده اند و مرتب چیده اند نیز آموزگار و نخته
سیاه هر دو را در جای مناسب گذاشته اند .

شما هم که کتاب و اسباب کار خود را حاضر کرده اید کارگران را هم دیده اید که
بچه کچام بی افزار و اسباب سرکار میروند بنا با خود تیشه و مال میبرد همین شستن
نبرد دارد آهنگر با چکش و سندان کار میکند اما اسباب کار شما نو آموزان همان کتاب و
کتابچه و مداد و قلم و دو ات و ستاره است که در کیف خود گذاشته اید یقین دارم که طرز
نگار برون آرا میدارید و میتوانید تکالیف خود را خوب انجام دهید و کتابتان را که داستانهای
شیرین دارد بخوانید و یاد بگیرید .

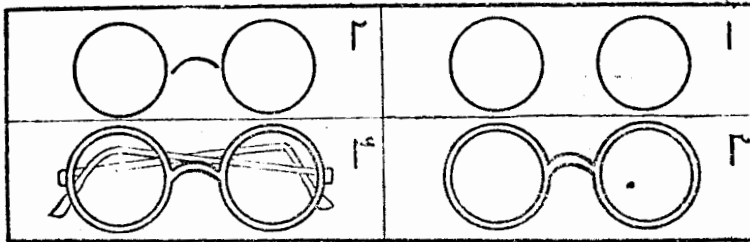
بی سواد و عینک

خدا داد ده نشین و بی سواد بود اما
 دلش میخواست با سواد باشد يك روز يك
 نفر شهری را دید که عینک بچشم میزند و
 میخواند خیال کرد عینک آدم بیسواد را با
 سواد می کند از شوقی که بخواندن و نوشتن
 داشت همان روز روانه شهر شد و یگراست
 بمغازه عینک فروشی رفت و عینک خواست
 هر عینک که آوردند بچشم گذاشت نتوانست
 بخواند گفت عینکی که با آن خط می خوانند
 بیاورید صاحب مغازه ملتفت شد گفت اول
 بفرمایید بینم سواد دارید یا نه ؟ گفت اگر
 سواد داشتم عینک برای چه میخواستم ؟

۱- پرسش - خداداد چرا عینک میخواست ؟ - بکجا رفت عینک بخرد ؟ -
 عینک خرید یا نه ؟ - چرا ؟ - عینک فروش با چه گفت ؟ - او چه جواب داد ؟

۲- عبارت‌ها و کلمه‌های زیر را در کلاس چند بار بنویسید و ملتفت باشید که نقطه‌ها و دندان‌ها و سر کشهای کاف و گاف را فراموش نکنید :
 بی‌سواد و عینک - از شوقی که بخواندن و نوشتن داشت - مغازه عینک‌فروشی -
 صاحب مغازه ملتفت شد - یکر است بی‌غازه رفت .

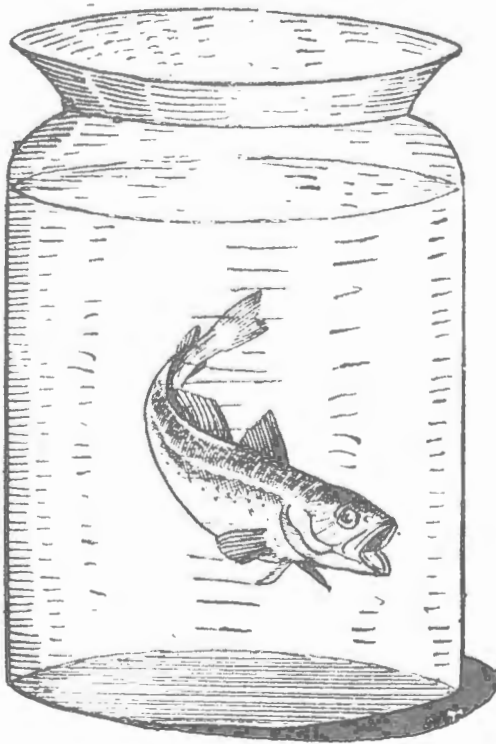
۳- بازگویی حکایت - این حکایت را برای هم‌شاگردان بگویید
 (موقع گفتن حکایت جلوی کلاس بایستید تا تمام شاگردان شما را ببینند راست بایستید و دست‌هایتان را در کنار خود بگذارید بلند و شمرده حرف بزنید)
 ۴- نقاشی - مطابق این اشکال بترتیب شماره بکشید .



موجون های زنده

جانوران

دو برادر جمشید و منوچهر بدبستان
میروند هر دو در کلاس سوم هستند پروین
دختر همسایه هم بهمان دبستان میرود و با آنها
همدرس است.



یک روز
صبح آموزگار
در کلاس ظرفی
از شیشه آورد
که ماهی در آن
بود پروین
پرسید این را
کی آورده است
— آموزگار
بخنده گفت این

ظرف را من بدبستان آورده ام تا شما طرز
شنا کردن این جانور را ببینید.

— منیژه با تعجب گفت مگر ماهی هم جانور

است؟ ماهی که مثل

گربه یا سگ نیست.

— آموزگار گفت

درست میگویید ماهی

شکل گربه و سگ نیست

اما ماهی مثل سگ و

گربه جانور است

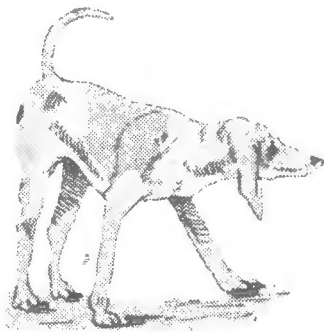
حیوانات گوناگون هستند

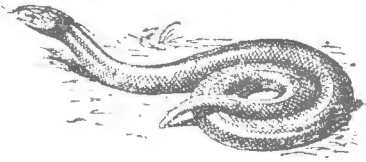
بعضی بزرگند و بعضی کوچک.

پروانه که دختر کوچکی بود از آموزگار

پرسید پرندگان هم جانورند؟

— آموزگار گفت بلی آنها هم جانورند





— جمشید پرسید

مار هم جانور است ؟

— آموزگار جواب

داد بلی مار هم جانور است

— پروین پرسید

قورباغه و لاک پشت هم

جانورند ؟



— آموزگار جواب داد بلی قورباغه و لاک

پشت هم جانورند

— منوچهر گفت من موجودی را می شناسم

که جانور نیست

— شاگردان گفتند بگو بینم آن چیست ؟

— گفت مگس پدرم



میگوید مگس حشره است

— آموزگار گفت بلی

پدرت درست میگوید مگس حشره است اما

حشره هم جانور است

— پروانه گفت پس پشه هم



حشره است

— آموزگار گفت



آری! مورچه و زنبور

هم حشره اند و حشرات

همه جانورند



— پروین گفت پس

جانوران شکلهای گوناگون دارند

— منوچهر زود جواب داد بلی در این

موقع چشم منوچهر بمورچه بی افتاد و بآموزگار

گفت نگاه کنید این جانور چه قدر كوچك است

آیا جانوری كوچكتر از این هم هست ؟

— آموزگار گفت بلی از این كوچكتر هم

هست كه بزحمت ميتوان با چشم دید ولی

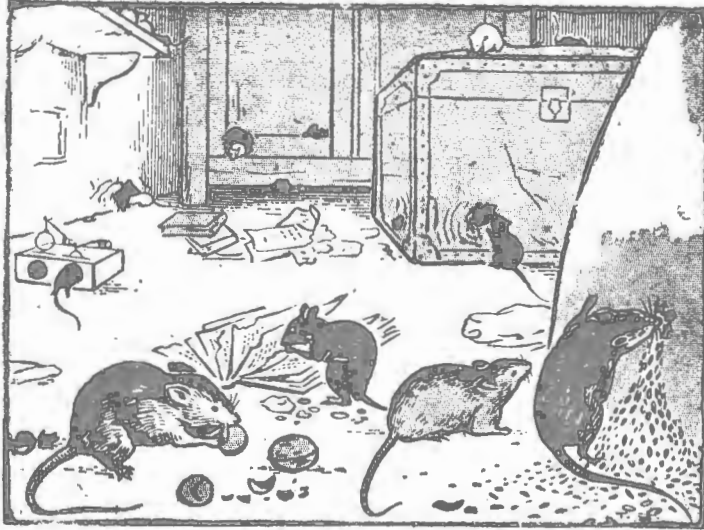
همه این جانورها زنده اند و زندگانی می کنند

یعنی اول بدنیا میآیند غذا میخورند نفس
میکشند بزرگ میشوند و آخر میمیرند.

- ۱- پرسش - چند جانور بزرگ را نام ببرید - چند جانور کوچک
را نام ببرید - آیا جانورها همه راه میروند ؟ - جانوری که در آب شنا میکند
اسمش چیست ؟ - جانورانی که پر دارند و در هوا پرواز می کنند نامشان
چیست ؟ - آیا جانورها زنده هستند ؟ - یعنی چه ؟
۲ - نقاشی - شکل جانوری را که دوست دارید بکشید .
۳ - کاردستی :

الف - پس از کشیدن شکل جانور آنرا ببرید و در دفترچه مخصوص
خود بچسبانید .

ب - بهمین طریق عکس هر حیوانی که بدستان میآید (اگر کسی آن
را لازم ندارد) ببرید و در دفترچه خود بچسبانید و نام آنرا هم اگر می دانید
زیرش بنویسید .



موش

موش وقتی که گرسنه میشود از سوراخ
 خود بیرون می آید و هرچه از خوراك يا
 پوشاك ييابد میچود و میخورد در انبار ها
 بی سر و صدا از این طرف بآن طرف میرود
 و همین که خوردنی پیدا کرد میایستد و بخوردن
 مشغول میشود موش جانوری است موزی و
 بلای خانه و انبار است این جانور از هیچ
 چیز روگردان نیست کیسه های خوراك را

سوراخ می کند لباس و کاغذ و کتاب را
 میجود گردو و فندق را میشکند گندم و
 عدس و لویا و نخود را میخورد چوب و
 دیوار را سوراخ می کند و با دندان های تیز
 خود سخت ترین چیزها را میبرد و ریز ریز
 میکند اما گاهی هم بتله می افتد یا گرفتار
 پنجه گربه میشود .

- ۱- پرسش - موش چه وقت از سوراخ خود بیرون می آید ؟ - موش چه چیزها را میجود و میخورد ؟ - در انبارها و قفسه ها و پای دیوارها چه نوع خرابی میکند ؟ - خانه دارها برای دفع موش چه می کنند ؟ - موش بلای خانه و انبار است یعنی چه ؟ - از هیچ چیز رو گردان نیست یعنی چه ؟
- ۲- املا - این کلمات را چند بار بنویسید تا املای آنها را خوب یاد بگیرید
 گرسنه - موزی - کیسه - تله - مشغول - کاغذ - بی سروصدا - طرف.
- ۳ - تکلیف - حکایت را یک یا چند دور با دقت بخوانید و کارهایی را که موش می کند یکی یکی بنویسید بدین طریق : موش از سوراخ خود بیرون می آید - هر چه بیابد میجود و میخورد -



جای پای شیر

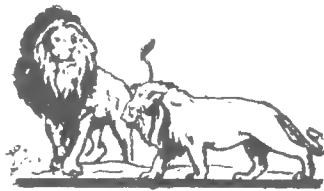
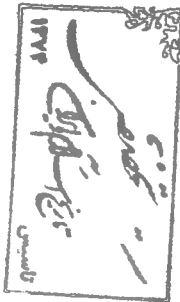
شکارچی در جنگل هیزم شکنی را دید
و از او پرسید آیا میتوانی جای پای شیر را
بمن نشان بدهی تا او را شکار بکنم؟ هیزم شکن
جواب داد من در این نزدیکی شیری ندیدم
زود باش الان باو میرسی.

شکارچی بیچاره رنگش پرید و بر خود
لرزید و گفت من جای پای شیر را میخواستم
نه خود شیر را.

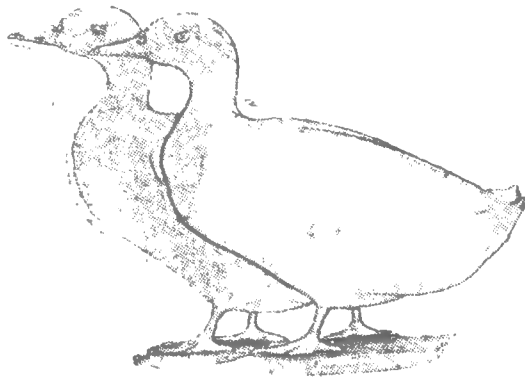
۱ - پرسش - شکارچی از هیزم شکن چه پرسید؟ - هیزم شکن
چه جواب داد؟ - شکارچی چرا رنگش پرید؟

- ۲- پرسش فکری (فکر کنید و جواب بد هید) - چرا شکارچی میخواست جای پای شیر را ببیند ؟ - شیر کجا زندگی میکند ؟ - شیر چگونه حیوانی است ؟ - شکارچی با چه شکار میکند ؟
- ۳ تکلیف - از روی این سرمشق ده بار خوب بنویسید :

من جای پای شیر را میخواستم نه خود شیر را



نقاشی - از روی این شکلها بکشید :



گوروش و همبازیهای او

گوروش از پادشاهان بزرگ ایران قدیم است. این پادشاه در کودکی در خانه چوپانی بود و همه او را پسر آن چوپان می دانستند. در بازیها همیشه کوشش داشت که رئیس^(۱) و بزرگتر باشد و بهمبازیهای خود فرمان و دستور بدهد. يك روز همبازیهایش او را شاه خود قرار دادند و او مانند پادشاه بنای فرمان دادن گذاشت و بچه ها را چند دسته کرد. يك دسته را سربازان خود کرد و يك دسته را مأمور^(۲) کرد که قصری برای او بسازند و چند تن را هم بازرسان دیگران قرار داد. در میان بازی یکی از بچه ها که پسر وزیر بود

(۱) نام حرف دوم کلمه (رئیس) همزه است. املاي این کلمه را بهمین طریق یاد بگیرید.

(۲) نام حرف دوم کلمه (مأمور) همزه است. املاي این کلمه را بهمین طریق یاد بگیرید.

از فرمان کوروش پیروی نکرد کوروش بدسته
 سربازان حکم کرد او را گرفتند و تنبيه کردند
 آن پسر پيش پدر خود رفت و از کوروش
 شکايت کرد پدرش هم پيدر کوروش که پادشاه
 بود شکايت برد شاه فرمود تا کوروش را
 آوردند و باو گفت چرا پسر وزير مرا زدی ؟
 کوروش جواب داد حق داشتم زيرا همه بميل
 خود مرا شاه کردند و لازم بود حرف مرا
 بشنوند پسرو وزير نشنيد و سزای خود را ديد.

۱- پرسش - کوروش که بود ؟ - در کودکی کجا زندگی میکرد ؟ -
 در بازی اخلاق او چه بود ؟ - وزير زاده چه کرد ؟ - پدر بچه بکه شکايت کرد ؟ -
 کوروش پيدرش چه جواب داد ؟ - بازرس يعنی چه ؟ - آبا کوروش حق داشت
 بچه می را که از او اطاعت نکرده بود تنبيه کند ؟ (۱)

۲- از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

کوروش از پادشاهان بزرگ ایران قدیم است

(۱) راجع بلزوم اطاعت بزرگتران و فرمانروایان (باندازه فهم
 کودکان) گفتگو شود.

ماهی و صیاد



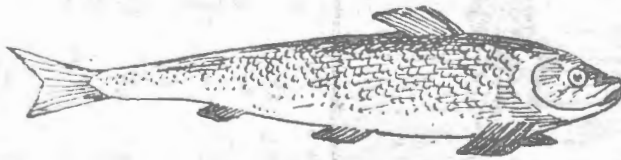
صیادی قلاب انداخت
و ماهی کوچکی گرفت
همینکه خواست ماهی
را در سبد بیندازد ماهی
گفت:

— آقای صیاد من
بسیار كوچك و ریزه
هستم بزحمت يك لقمه
شما میشوم مرا رها

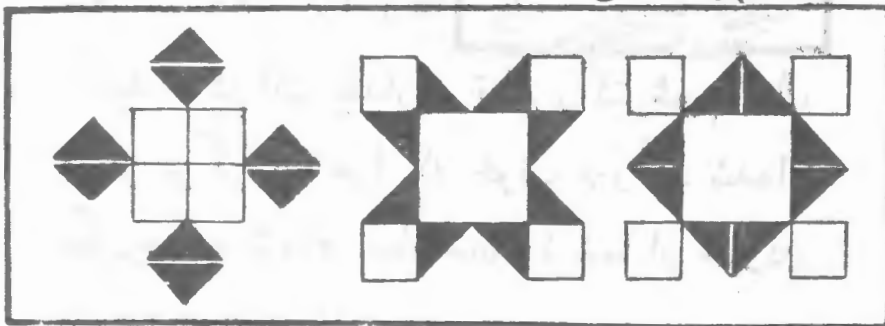
کنید و در آب بیندازید تا بزرگتر شوم سال
دیگر برگردید مرا که خوب بزرگ شده‌ام
بگیرید که شما و تمام خانواده شما از خوردن
من سیر خواهید شد.
صیاد گفت:

- ماهی عزیزم حرفت حسابی است اما
من نمیتوانم آنرا قبول کنم که گفته اند :
« سبیلی نقد به از حلوای نسیه »

- ۱ - پرسشی - صیاد ماهی را با چه گرفت ؟ - ماهی بصیاد چه گفت ؟ - از
مثلی که صیاد برای ماهی آورد چه میفهمید ؟
آیا قلاب ماهیگیری دیدم اید ؟ - کجا ؟ - چه شکل است ؟
معنی این لغات چیست : صیاد - قلاب - بزحمت - نسیه - نقد ؟
۲ - این حکایت را برای همشاگردان خود بگویند توجه کنید که
رو بروی آنها راست بایستید و شمرده حرف بزنید .
۳ - نقاشی - شکل ماهی را بکشید و نام بعضی از اعضای آنرا هم که
میدانید بنویسید :



رسم و کار دستی:



- ۱ - مطابق این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید .
۲ - از کاغذ رنگی دو مربع بزرگ و چهار مربع کوچک و هشت مثلث
کوچک ببرید .
۳ -



خروس و سگ و روباه

سگی و خروسی باهم دوست شدند و برای گردش از ده پیرون رفتند روز را در باغهای با صفا گردش کردند شب که شد خواستید بخوابند پای درخت بلندی رفتند خروس بالای درخت رفت و سگ پایین درخت در گوشه بی خوابید صبح که شد خروس بعاتی که دارد بنای خواندن گذاشت روباهی که در آن نزدیکی بود آواز او را شنید و نزدیک درخت

آمد و خروس را صدا کرد و گفت:

— دوست عزیزم مدتها بود میخواستم
ترا بینم حالا که آوازت را شنیدم بخدمت
رسیدم خوب است پایین یایی تادیداری تازه
بکنیم.
خروس گفت:

— از محبت شما ممنونم اما رفیقی دارم
که آن طرف درخت خوابیده است زحمت
بکشید و او را بیدار کنید تا من هم خدمت
برسم روباه بطمع اینکه خروسی دیگر است
پیش رفت و همینکه چشمش بسگ افتاد پا
بفرار گذاشت اما سگ او را امان نداد و بچند
جست و خیز خود را باو رسانید و او را خفه کرد.

- ۱- پرسش - سگ و خروس باهم بکجا گردش رفتند؟ - شب
- برای خوابیدن چه کردند؟ - صبح خروس چه کرد؟ - روباه بخروس چه
- گفت؟ - خروس چه جواب داد؟ - چرا سگ روباه را خفه کرد؟ -
- ۳ - بازگویی حکایت - قصه بالا را بزبان خودتان بگویید
- ۴ - بازی - از نو آموزان يك تن خروس و يك تن روباه بشوند و مانند
- حکایت بالا بایکدیگر سؤال و جواب نمایند

جغرافیا

همه ما خانه و کوچه و خیابان و دهکده و شهر را شناخته ایم و نقشه آنها را هم در کتاب دوم دیده ایم. اکنون باید بدانیم که در روی زمین هزاران هزار دهکده و شهر بزرگ و کوچک ساخته شده و هر دهکده و شهر مسکن چندین خانواده است که با هم زندگی میکنند و مانند ما در آبادی شهر و دهکده های خود میکوشند و برای اینکه خوب زندگی بکنند هر کدام بکار و شغلی مخصوص مشغولند و ما همان طور که شهر و دهکده خود را می شناسیم آن شهرها و دهکده ها و چیز های دیگر روی زمین را هم میتوانیم بشناسیم و نقشه آنها را هم می توانیم بینیم.

در روی زمین کوهها و صحرا ها و سبزه زار ها و چمنها و گیاهها و درختها

و جویبارها و رودخانه ها و دریاها و دریاچه
های بسیار و جانوران و مردمان گوناگون هم
هست و ما در میان آنها زندگی می کنیم و باید
آنها را بشناسیم و از شکل و نقشه آنها آگاه
باشیم .

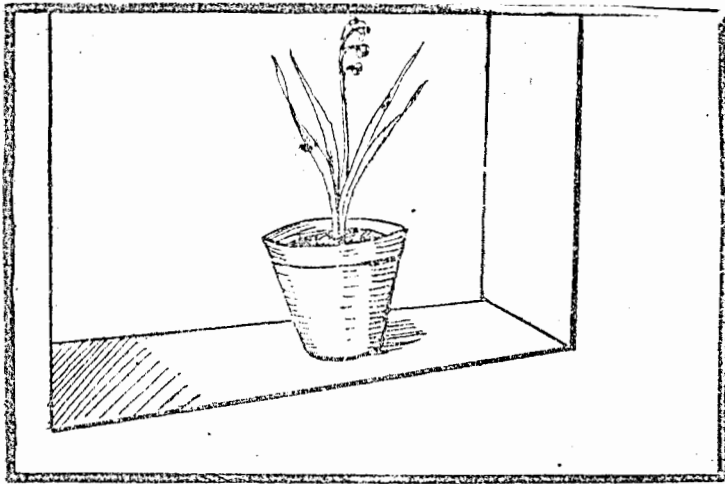
این چیزها را جغرافیا بما یاد می دهد و
هر کس جغرافیا بخواند از همه جای زمین باخبر
میشود و نامهای شهرها و دهکده ها و کوهها
و دریاها و چیزهای دیگر را که گفته شد یاد
می گیرد .

۱ - پرسشی - مردم در روی زمین چه چیزها ساخته اند؟ آبادی یعنی چه؟
برای چه مردم در آبادی زمین می کوشند؟ اینکه میگویند در فلان جا نه آب
دیده میشود نه آبادی یعنی چه؟ در روی زمین غیر از شهر و دهکده چه چیز
های دیگر هست؟ آیا آنها را هم مردم ساخته اند؟ جغرافیا چه چیزها بما
یاد میدهد؟

۲ - از روی این سرمشق چند بار بنویسید و بگوئید مربوط بکدام
درس است :

سیلی نقده از حلوائی نسیه است





موجودات زنده

گیاهها

منوچهر گفت باز هم کمی در باب
جانوران گفتگو بکنیم من از این حرفها خیلی
خوشم می آید جمشید گفت من هم خوشم
می آید منوچهر گفت عجب است که تقریباً
همه زنده ها جانورند آموزگار گفت نه چنین
نیست من در همین کلاس موجودی می بینم که
زنده است اما جانور نیست شاگردان در

حالی که با تعجب بگوشه های اطاق نگاه می کردند همه يك آواز گفتند موجود زنده‌یی می بینید که جانور نیست ؟ آخر پروانه گفت من فهمیدم چه چیز را میگویید مقصود شما گلی است که در گلدان روی طاوچه است آموزگار گفت بلی مقصود همان گیاه توی گلدان است گیاه دیگری هم از پنجره می بینم منوچهر گفت شاید مقصود شما آن درختی است که در حیاط دبستان است آموزگار گفت بلی درختها همه گیاهند پروانه گفت بعضی گیاهها خیلی بزرگند ما درخت بزرگی در حیاطمان داریم که از دیوار خانه مان بالا تر رفته است منیره گفت بعضی گیاهها هم خیلی کوچکند تخم گیاهی را در باغچه حیاطمان کاشتیم و چند روز بیشتر نگذشت که گیاهی كوچك از زمین باغچه بیرون آمد اما این

گیاه بقدری كوچك بود كه بزحمت دیده میشد
آموزگار گفت ای بچه های عزیز بدانید
كه ما بی گیاه نمیتوانیم زندگی بكنیم سبزی
كه هرروز میخوریم همان گیاه است منیژه
گفت امروز ظهر خوراك ما هویج داشت و
آن هم گیاه است جمشید گفت خرگوشها هم
هویج میخورند كاهو و كلم هم میخورند
پروانه گفت گنجشكها توت میخورند پروین
گفت گاو و اسب علف می خورند پس هم
ما گیاه می خوریم و هم بسیاری از جانوران .

۱- پرسش - منوچهر چرا از حرفهای راجع بجانوران خوشش میآید -
آیا شما خوشتان می آید كه راجع بجانوران صحبت بشود؟ - چرا؟ -
آموزگار گفت كه گیاهها هم مثل جانوران زنده هستند؟ - فایده گیاهها
چیست؟ - آیا همه جانوران علف میخورند؟ - آیا خوبست هر گیاهی را
بخوریم؟ - چرا؟

كلمه « تقریباً » را چگونه مینویسید و چگونه تلفظ می كنید؟ -
(همه يك آواز گفتند) یعنی چه؟

۲ - تكلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید و بگویند این جمله
مربوط بكدام درس است؟

موجودهای زنده اول بدنیا میآیند و غذا میخورند و نفس میکشند و بزرگ میشوند
و آخر میمیرند

نقاشی ۱- کلویا گیاهی را که دوست دارید بکشید و رنگ آمیزی کنید
۲- از شکلهای زیر هر کدام را میخواید بکشید :



آیا این گیاهها را می شناسید ؟

کار دستی - در دفتری که برای چسباندن عکس جانوران درست کرده اید چند برگ آنرا هم برای چسباندن عکس گیاهها بگذارید عکس ر گیاهی که بدستان می آید بچسبانید و نام آنرا هم اگر میدانید زیرش بنویسید .

سیب سرخ بزرگ

شاپور يك سیب بزرگ سرخ داشت
 بسیب گفت ای سیب چه قدر قشنگ و
 خوشبویی رنگت سرخ و سفید و گوشتت
 نرم و خوردنی است اما پیش از آنکه ترا
 بخورم می شویمت و پاکیزه‌ات میکنم

پس سیب را با آب پاك شست و به‌مدرس
 خود شیدا که نزدیکش ایستاده بود گفت شیدا
 تو هم باین سیب گاز بزن شیدا خیلی دلش
 میخواست از آن سیب بخورد و باوجود این
 گفت نه ممنونم سیبی را که تو میخواستی
 بخوری دندان نمی‌زنم توهم سیبی را که دیگری
 دندان زده است نباید بخوری .

شاپور گفت راست می‌گویی پس همه
 سیب مال تو شیدا گفت نه همه سیب را

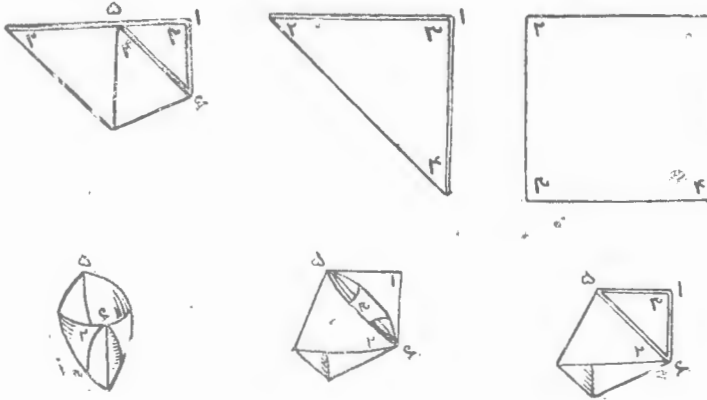
نمی خواهم نصفش برای من بس است .
 پس چاقوی پاکیزه‌یی از جیب خود در آورد
 و سیب را دو نصف کرد يك نصف را خود
 برداشت و نصف دیگر را بشاپور داد .

بچه‌هایی که می‌خواهند پاکیزه و تندرست باشند:

- ۱- از آب‌خوری دیگران آب نمی‌خورند .
- ۲- پیش از غذا خوردن و بعد از بازی و بعد از رفتن
 به‌ستراح دستهای خود را می‌شویند .
- ۳- میوه و سبزی را اول با آب پاك می‌شویند بعد می‌خورند .
- ۴- بمیوه یا شیرینی که دیگری گاز زده است دهان نمی‌زنند

- ۱- پرسش - سیب شاپور چه طور بود ؟ - چرا شاپور سیبش را اول
 شست ؟ - چرا بشیدا گفت توهم باین سیب گازی بزنی ؟ - چرا بشیدا حاضر نشد بسبب
 شاپور گاز بزنی ؟ - آخر سیب را چه کردند ؟ - بچه‌های پاکیزه چگونه باید باشند ؟
- ۲- پرسشهای فکری (فکر کنید و جواب دهید) - اگر شما بخواید
 باریقتان يك سیب یا گلابی بخورید چه می‌کنید ؟ - چرا نباید از ظرف
 بستنی فروشهای دورد گرد بستنی بخورید ؟ - چرا از ظرف آب‌خوری سقاها و سقاخانه
 ها آب نمی‌خورید ؟ - چرا خوب نیست که اهل يك خانه همه از يك لیوان
 آب بخورند ؟ - چه دستورهای خوب دیگری می‌توانید بچه‌های پاکیزه بدهید ؟
- ۳- اهالا - بعد از یاد دادن املائی لغات، قسمتی از درس را دیکته کنید .

کار دستی - لیوان کاغذی

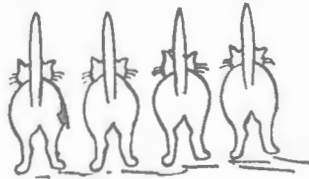


سرگرمی - شب با سایه دست خود در مقابل چراغ روی دیوار شکل جانوران را درست کنید.



نقاشی - از روی این شکل بکشید

رسم - از روی این شکل در کاغذ شطرنجی بکشید



آلو خراسانی

مادری چند آلو خراسانی خرید و بخانه
برد و پس از شمردن در سفره خانه گذاشت
تا بعد از غذا میان فرزندان کوچک خود هوشنگ
و پری و گوهر تقسیم کند .

گوهر دختر چهار ساله وقتی که کسی
در سفره خانه نبود يك دانه از آلوها را برداشت
و خورد وقت قسمت کردن يك دانه آلو
کم آمد مادر پیدر گفت بچه ها يك دانه از
آلوها را خورده اند پدر رو بفرزندان کرد
و گفت کدام يك خورده اید؟ پری و هوشنگ
گفتند ما نخورده ایم گوهر هم با اینکه از شرم
رویش سرخ شده بود گفت من هم نخورده ام
پدر گفت هر که آلو را بی اجازه برداشته و
خورده کار بدی کرده است اما خدا کند هسته اش
را فرو نداده باشد که میترسم بشکم درد سختی

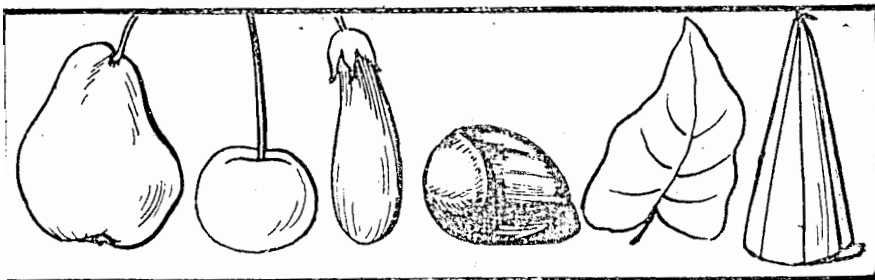
دچار بشود و شاید بمیرد

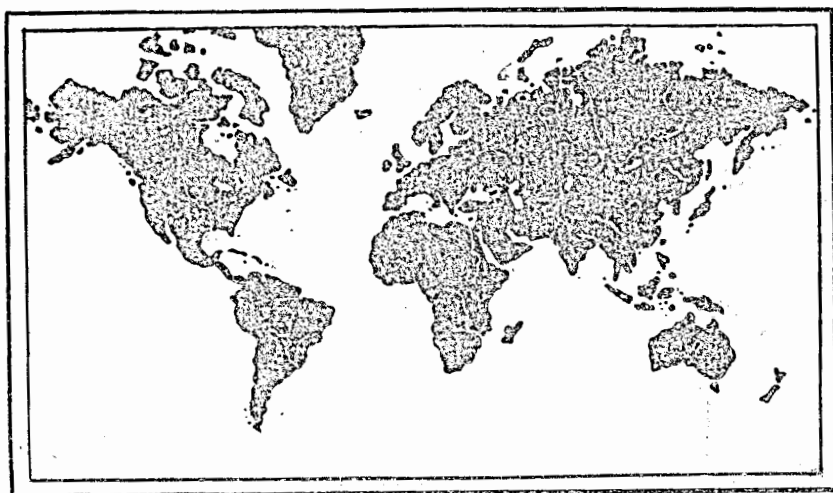
گوهر از شنیدن این سخن رنگش پرید
و گفت آقا جان نترسید هسته اش را از پنجره
بیرون انداختم.

پرسش - مادر چرا آلوها را شمرد ؟ - در موقع قسمت کردن چه دید ؟ -
پدر از فرزندان خود چه سؤالی کرد ؟ - پری و هوشنگ چه جواب دادند ؟ -
گوهر چه گفت ؟ - چرا صورت گوهر سرخ شده بود ؟ - پدر چگونه فهمید که
آلورا کی خورده است ؟

کدام يك از بچه ها راست گفت ؟ - کدام يك دروغ گفت ؟ - چرا دروغ
گفت ؟ - نتیجه دروغ گفتن چیست ؟
قصه گویی - هر کس قصه یی راجع بدروغ میدانند با نتیجه زشت آن
برای همکلاسان بلند و شمرده بگوید .

نقاشی - از روی این شکلیها بکشید و آنها را رنگ آمیزی کنید :





آب و خاك

نقشه یی که در بالای این صفحه می بینید
نقشه تمام زمین است در این نقشه آنچه برنگ
سفید است آب است و آنچه برنگ سیاه است
خاك یا خشکی است .

آب و خشکی زمین را اگر از روی
دقت با هم بسنجید خوب ملتفت می شوید که
آب خیلی بیشتر از خشکی و تقریباً سه برابر
خشکی است باین معنی که اگر زمین را بچهار

بخش کنیم سه بخش آن زیر آب و يك بخش آن
بیرون از آب است .

ما مردم در خشکیهای زمین زندگی
می کنیم اما در زندگی بآب محتاجیم و آب هم
در زمین فراوان است در خشکی موجودات
دیگر هم از جانوران و گیاهها زندگی می کنند
اما در آب بجز جانوران آبی و برخی از گیاههای
مخصوص دیگر چیزی نیست .

پرسش - در نقشه صفحه پیش خشکی را بچه رنگ و آب را بچه
رنگ نشان داده اند ؟ - آب زمین بیشتر است یا خشکی آن ؟
آب چند برابر خشکی است ؟ - ما انسانها در چه قسمت زمین زندگی
می کنیم ؟ - آیا می توانیم بی آب زندگی کنیم ؟
در خشکی زمین دیگر چه موجودات زندگی میکنند ؟ - در آب چه
موجوداتی زندگی می کنند ؟ - آیا انسان میتواند در آب زندگی کند ؟ - چرا ؟



تقسیم ملا

ملا نصرالدین برای خندانیدن مردم خود را بنادانی زده بود اما در حقیقت خیلی زیرک و عاقل بود و همیشه بشوخی و خوشمزگی بخود فایده میرساند .

يك روز مهمان شخصی بود و آن شخص يك زن و دو پسر و دو دختر داشت در سر سفره صاحبخانه خواست ملا را دست بیندازد ظرفی را که مرغ بریانی در آن بود جلو ملا گذاشت و گفت این مرغ را میان ماهفت نفر قسمت کن ملا گفت من سهم هر کس را بنا بر لیاقتش میدهم و از همه عهد و پیمان گرفت که بر تقسیم او اعتراض نکنند آنگاه ظرف

مرغ را پیش کشید و سر مرغ را بصاحبخانه داد و گفت شما سر خانواده اید و سر بشما میرسد گردن مرغ را هم بخانم صاحبخانه داد و گفت بعد از سرگردن بالا ترین اندامها است و خانم هم بعد از آقا بزرگتر خانواده است دو پای مرغ را هم بدو پسر داد و گفت پسر در انجام فرمانهای پدر دوندگی و آمد و رفت می کند و پا حق او است دو بال مرغ را هم بدو دختر داد و گفت دختر در انجام کارهای خانه دست مادر است و بال باو می رسد تنه مرغ را هم که بیشتر و بهتر از همه بود پیش خود گذاشت و گفت این هم قسمت من که مهمانم و احترامم بر همه لازم است .

از این تقسیم همه خندیدند و با اینکه مغبون بودند چون ملا از همه تعریف کرده بود چیزی نگفتند و هر کس بسهم خود قناعت کرد

۱- قصه گویی - قصه بالا را طوری بگویید که خوشمزه و خنده آور باشد .

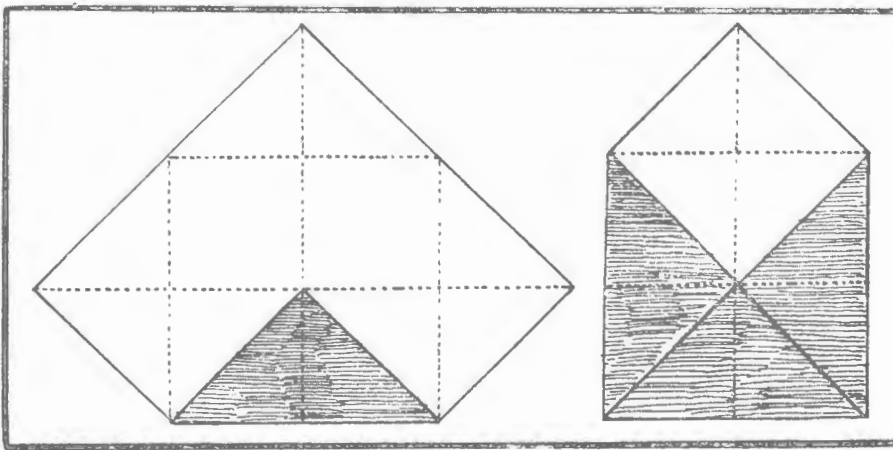
۲- معنی این لغات چیست : زیرك - دست بیندازد - مرغ بریان - سهم - اندام - مغبون



کاردستی - ۱- یک چهار گوشه از کاغذ ببرید .

۲- بر طبق نقطه چینه‌های شکل دست چپ تا کنید تا یک پاکت چهار گوش

درست شود .

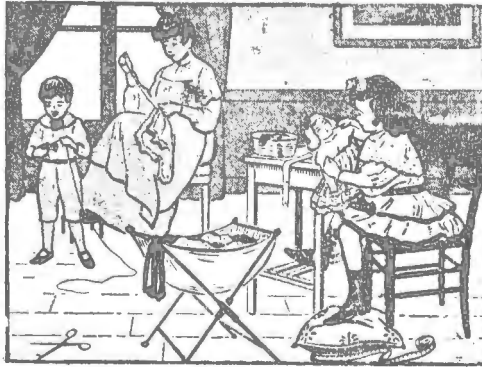


نقاشی - نام این پرنده چیست؟ - اگر میتوانید شکل ساده آن را بکشید:



تقسیم دیگر ملا

روز دیگر ملا برای دیدن عید بنخانه
همان شخص رفت پنج مرغ ازده برای آن
شخص آورده بودند آن شخص خواست بار
دیگر ملا را دست بپندازد و باو گفت این
مرغها را میان ما تقسیم کن طوری که در عدد
مساوی باشیم ملا گفت بسیار خوب شما و
خانم و يك مرغ میشوید سه تا دوپسر شما هم
بایك مرغ میشوند سه تا دو دختر شما هم بایك
مرغ می شوند سه تا باقی مانده را هم بمن
مرحمت کنید که من و دو مرغ بشویم سه تا.
صاحبخانه را خنده گرفت و دو مرغ را
بملا بخشید و عهد کرد که در اینگونه مواقع
باملا شوخی نکند و او را دست نپندازد.



عروسك بازی^(۱)

شیدا بیشتر روزها با همبازیهایش
 عروسك بازی می کند و گاهی برای عروسك
 خود لباس می دوزد. لباس عروسك را از تکه
 و خرده های پارچه ها که دیگر بکار نمیخورد
 درست می کند. وقتی می خواهد لباس بدوزد
 اول قد و بالای عروسك را بامتر نواری اندازه
 می گیرد و از روی آن پارچه ها را با قیچی
 می برد و تکه های بریده را پهلوی هم میگذارد
 و می دوزد. برای اینکه سوزن دستش را زخم

(۱) این درس برای دختران مناسب تر است.

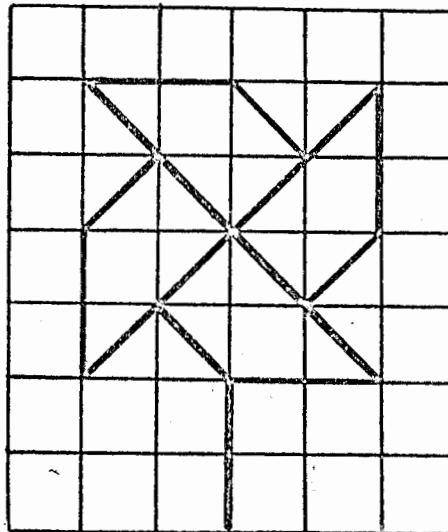
نکند انگشته بانگشت می کند لباسها را پس از
دوختن با دقت اتو می کشد و بتن عروسك
می کند و او را در گهواره می خواباند.

پرسش - شیدا لباس عروسك خود را از چه چیزها درست میکند؟
چرا اول قد و بالای عروسك را با متر نواری اندازه می گیرد؟ - شیدا چرا
انگشته بانگشت می کند؟ - چرا لباس را پس از دوختن اتو میکند؟
آیا شما عروسك دارید؟ - آیا برای او لباس دوخته اید؟ - پارچه
لباس او را از کجا آورده اید؟ - آیا خودتان پارچه های لازم را از اسباب
خیاطی مادرتان برمی دارید یا بیشتر اجازه می گیرید؟ - چرا اجازه می گیرید؟



نقاشی - شکل انگشته - سوزن و نخ و قیچی را بکشید .

رسم - از روی این شکل در کاغذ شطرنجی بکشید و رنگ آمیزی کنید



موجودات سنگها

اسباب کار - چند قسم سنگ (تقریباً مطابق آنچه که در درس گفته شده) - ظرف آب - چکش - بعضی رنگها (قهوه ای - عنابی - سرخ تیره ... ممکن است برای نشان دادن این رنگها قهوه - عناب - گل اخری ... بکلاس آورد)

آموزگار گفت در درسهای پیش موجودات زنده را خواندید و شناختید امروز از موجوداتی گفتگو می کنیم که زنده نیستند یعنی زائیده نمی شوند و بزرگ نمیشوند و نمی میرند در این وقت بسنگهایی که روی میزی گذاشته بود اشاره کرد و گفت شما هم سنگهایی را که با خود آورده اید پهلوی این سنگها بریزید آنگاه گفت حالا این سنگها را تماشا بکنید و ببینید که بعضی بزرگ و بعضی کوچک بعضی گرد و بعضی دراز بعضی صاف و بعضی ناصاف است و دوتای آنها مثل هم نیست اگر هیچکس

هیچوقت باین سنگها دست نزنند همین طور
بی حرکت در همین جا می مانند و شکل و
اندازه شان هیچ تغییر نمی کند و بزرگتر یا
کوچکتر نمی شوند .

شما سنگهای خودتان را از کجا آورده اید؟
پروین گفت من از باغچه خانه مان جمع کرده ام
منوچهر گفت من از کنار رود خانه جمع
کرده ام آنجا سنگهای قشنگ دیگر هم هست
جمشید گفت من از حیاط خانه مان آورده ام
پروانه گفت من در زمین بازی دبستان پیدا
کرده ام .



جمشید گفت این سنگها را چه کنیم ؟
آموزگار گفت اول باید آنها را خوب بشوئیم
منوچهر ظرفی پر از آب آورد و سنگها را
يك يك شستند پروین گفت سنگ مرا بینید

چه قشنگ از آب درآمده است دانه های برّاقی
 رویش می بینم که پیش از این پیدا نبود منوچهر
 گفت من خیال می کردم سنگم قهوه یی رنگ
 است اما حالا که شسته شده می بینم عنابی است
 پروانه گفت سنگ من سفید است اما يك خال
 سرخ تیره یی رویش هست جمشید گفت
 راستی عجب سنگ قشنگی است مثل الماس
 می درخشد .

منوچهر گفت يك روی سنگ من سرخ و
 روی دیگرش قهوه یی است دلم می خواهد تویش
 را هم بینم چه رنگ است آموزگار گفت
 کاری آسان است و چکشی را که در دست
 داشت دوسه مرتبه روی آن سنگ زد تا شکست
 و همه دیدند که تویش هم سرخ و قهوه یی رنگ
 است .

شاگردان دیگر هم بعضی سنگهای خود را

شکستند و خوب ملتفت شدند که بعضی از سنگها سخت و دیر شکن و بعضی سست و زود شکن است سنگ پروین بقدری نرم و سست بود که يك حرکت آهسته چکش خرد شد و خرده هایش مثل ماسه بود آموزگار گفت این سنگ را سنگ ماسه می گویند .



پروین گفت من از سنگی که دانه های سیاه در میانش دارد خوشم می آید جمشید گفت من سنگ سفیدی را که خطهای قرمز دارد دوست می دارم پروانه گفت سنگ من خیلی قشنگ است آنرا دور نمی اندازم جمشید گفت تمام سنگهای قشنگ را باید نگه داریم منوچهر گفت اگر جای مخصوصی برای سنگها داشتیم خیلی خوب بود آموزگار گفت جای مخصوصی برای آنها معین کنید که دیگران هم بتوانند آنها را ببینند پروین گفت دریکی از

اطاقهای خالی دبستان می گذاریم و آنجا را موزه سنگ کلاس سوم می نامیم.

۱- پرسش - فرق موجودات زنده و غیر زنده چیست؟ - آيا سنگها از موجودات زنده اند؟ - چرا؟ - صفاتی که در این درس برای سنگها معین شده کدام است؟ - سنگ در کجا بسیار یافته میشود؟ - در ساختمانها سنگ سخت بکار میبرند یا سنگ سست؟ - چرا؟ - ماسه چیست؟ - ماسه در کجا پیدا میشود؟

۲- گردش علمی - گردش در بیرون شهر یاده و در صورت امکان نهر و رودخانه و کوه که در اطراف شهر موجود است؛ جمع آوری اقسام سنگهای سخت و سست و صاف و ناصاف و گرد و دراز و پهن و باریک از همه رنگ و گذاشتن آنها در موزه دبستان - شستن خاک شن دار و بدست آوردن ماسه.



تقاشی - از روی شکل زیر بکشید و رنگ آمیزی کنید



شاپور

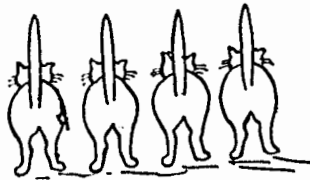
شاپور از پادشاهان بزرگ ایران است
این پادشاه در هشت سالگی پیادشاهی رسید
از هوش او در زمان کودکی حکایت‌های
شنیدنی نقل کرده اند.

یکی اینکه يك روز هنگام غروب آفتاب
صدای هیاهویی بگوشش رسید پرسید این چه
صدا است؟ گفتند آفتاب غروب کرده و مردم
دست از کار کشیده اند و بخانه های خود میروند
و چون گذرشان از روی پل رودخانه است و از
دو طرف آمد و شد می کنند بیکدیگر زحمت
میرسانند و این هیاهو از آن جهت است شاپور
گفت خوب است يك پل دیگر روی رودخانه
بکشند و مردم از يك پل بروند و از پل دیگر
بیایند تا براحتی بگذرند و بیکدیگر زحمت

نرسانند وقتی که شاپور این را گفت یش از
پنج سال نداشت و بزرگان که این سخن را
شنیدند برهوش او آفرین گفتند و دانستند که
پادشاه بزرگی می شود .

۱ - پرسش - شاپور در چه سن پادشاهی رسید ؟ - از هوش او
چه نقل کرده اند ؟ - قصه بالا را برای همکلاسان خود بگویند - معنی این
لغات چیست : هیاهو - آمد و شد - سخن ؟

نقاشی - از روی این شکلها بکشید :



بچه ها در زنك تفریح

زنك تفریح زده شد شاگردان از کلاس
بترتیب بیرون رفتند تنها جمشید مبصر کلاس
در اطاق ماند که پنجره ها را باز بکند تا هوای
اطاق پاکیزه بشود .

بعضی از شاگردان که پای تخته رفته بودند
و دستشان گچی شده بود دست خود را با آب
پاکیزه شستند و با دستمال پاکیزه خشك کردند
پرویز هم دستش را شست اما دستمال نداشت
برفیق خود فریدون گفت خواهش می کنم
دستمالت را بمن بده که دستم را خشك بکنم
فریدون گفت دلم میخواد بتو كمك بکنم اما
دستمالم را بتو نمیدهم زیرا ممکن است یکی
از ما دونفر بیمار باشد و بیماری او از راه دستمال
بدیگری سرایت کند پرویز دستش را در هوا

خشك كرد و از روز بعد هر روز دستمال باخود آورد .

بعضی از شاگردان هم رفتند سر ظرف آب بعضی باخورد آبخوری مخصوص داشتند دیگران با ظرف عمومی آب خوردند همایون آبخوری بزرگی داشت و آنرا از آب ابریز کرد اما نتوانست همه آب را بخورد و باقی را برفیقش بهرام تعارف کرد بهرام گفت آبی را که نیم خورده دیگری است نمی خورم همایون ناچار باقی آب را دور ریخت بهرام گفت مگر بما دستور نداده اند که در آبخوری باندازه بی که میتوانیم بخوریم آب بریزیم جمشید گفت حق با توست من اشتباه کردم و بی جهت مقداری آب خوردن دور ریخته شد .

۱ - پرسش - در چه مواقعی دستهای خود را میشوید ؟ - آیا همیشه دستمال همراه دارید ؟ - چرا ؟ - چرا فریدون دستمال خود را پیرویز نداد ؟ - وقتی که بجهانم میروید لنگ و قطیفه و کیسه و لیف مخصوص با خودتان

میرید یا نه ؟ - چرا ؟ - با ظرف عمومی آب میخورید یا نه ؟ - چرا ؟ -
وقتی که میخواهید آب بخورید چه قدر آب در ظرفتان میریزید ؟ - چرا نباید
آب خوردن را بی فایده ریخت و پاش کرد ؟

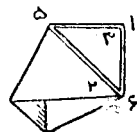
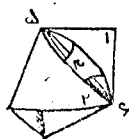
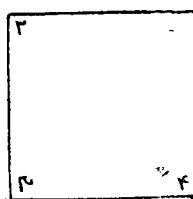
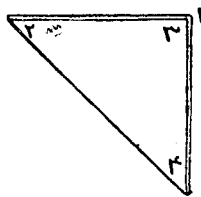
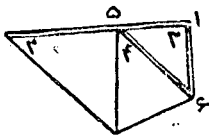
۲- پرسشهای فکری- (فکر کنید و جواب بدهید) - بغیر از دستمال
چه چیزهای دیگر خوبست مخصوص بخودتان باشد ؟ - وقتی که میخواهید غذا
بخورید چه قدر غذا در ظرفتان میریزید ؟ - خرده نانهایی که از سر سفره زیاد
میآید چه میکنید ؟ - چرا ؟

۳- پیدا کردن لغات مربوط بدروس - ظرفهایی که در آن آب
میریزید بنامید - چه چیزها برای شستن و پاک کردن بدن بکار میرود ؟
۴- عبارت سازی : چند عبارت شبیه باین عبارت (پرویز دستش را
شست) بسازید :

مثال : فریدون ناهارش را خورد -

کار دستی : لیوان کاغذی

با يك كاغذ چهار گوشه از روی نقشه زیر لیوان کاغذی درست کنید .
با این لیوان میتوانید آب بخورید :



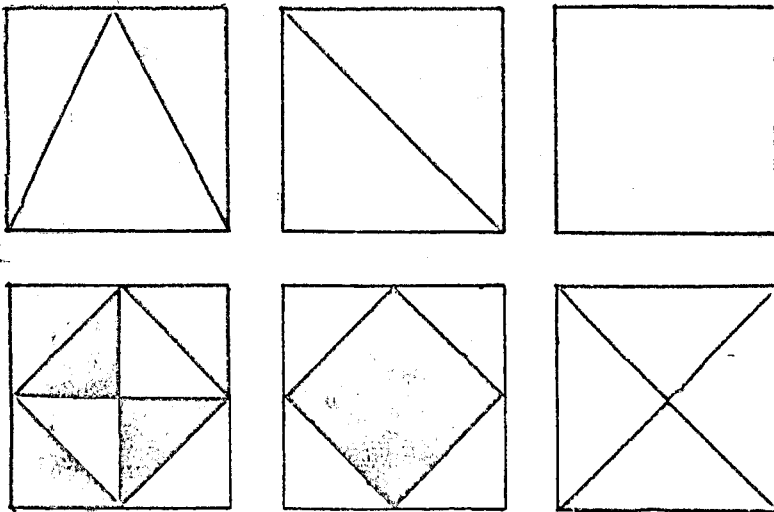
هوا همه جا هست

هیچ چیز بفراوانی هوا نیست همه جا از کلاس درس و دبستان و اتاقهای خانه و حیاط و حمام و اتوبوس و درشکه و هر جای دیگر که برویم هوا هست همه وقت چه در زمستان چه در تابستان چه در پاییز و چه در بهار چه روز و چه شب هوا هست و بی وجود آن زندگی انسان و حیوان و گیاه ممکن نیست .

فایده هوا چیست - بینی و دهان خود را با دستمال بگیرید و بینید که نفس کشیدن دشوار می شود اگر دستمال را محکمتر ببندید جلو نفس گرفته می شود و رفته رفته حال خفگی بشما دست می دهد پس معلوم شد که هوا برای زنده ماندن ما لازم است .

پرسش - هوا در کجاها هست ؟ - اگر جلو دهان و بینی انسان را ببندند چه حالی باو دست خواهد داد ؟ - کسی که در آب میافتد چرا خفه میشود ؟ - انسانی که زیر آوار برود چه طور میشود ؟ - چرا ؟ .

- رسم و کار دستی - ۱ - يك مربع در روی کاغذ بکشید .
 ۲ - مطابق نقشه های زیر تقسیم کنید و اقسام سه گوشه ها بکشید .
 ۳ - شکلهای زیر را روی کاغذ های رنگی بکشید و ببرید .



نقاشی - از روی این شکل بکشید



غذا

بیشتر مردم شبانه روزی سه وعده یکی صبح و یکی ظهر و یکی شب غذا می‌خورند غذای صبح را ناشتایی یا صبحانه و غذای ظهر را ناهار و غذای شب را شام می‌گویند بچه‌ها و برخی از بزرگها طرف عصر هم عصرانه می‌خورند.

صبحانه چای و شیر و قهوه و تخم مرغ و نان و پنیر با کره و عسل و مانند اینها است و ناهار یا شام خوراکیهای پخته است که از گوشت و نخود و لوبیا و عدس و برنج و روغن و انواع سبزیها درست میکنند.

حال ببینیم فایده غذا خوردن چیست؟ اگر کسی از شما پرسد چرا غذا می‌خورید می‌گویید برای اینکه گرسنه میشویم اما باید بدانید که فایده غذا همین رفع گرسنگی نیست غذا مایه

زندگی است و انسان اگر غذا نخورد زنده نمی ماند پس برای این غذا می خوریم که زنده بمانیم فایده دیگر غذا بزرگ شدن است و بچه ها که روز بروز بزرگ میشوند بسبب غذا خوردن است زیرا مقداری از غذا که میخورند جزو بدن آنها میشود و بدنشان روز بروز بزرگتر میشود و بیشتر قوت میگیرد .

غذا برای انسان مانند آب است برای درخت و گیاه درخت و گیاه اگر آب نخورند اول پژمرده و رفته رفته خشک و نابود میشود انسان هم اگر غذا نخورد نخست لاغر و ناتوان میشود و اگر چند شبانه روز بر این حال بماند میمیرد .

پس غذا چیزی است که برای زندگی و برای رفع گرسنگی خورده میشود گوشت و سبزی و میوه و دانه ها و گیاههای خوردنی

و قند و نمك و آب همه غذا است .

- ۱- پرسش - در روز چند وعده غذا میخورید ؟ - اسم غذای هر وعده را بگویید ؟ - صبح چه نوع غذا و ظهر و شب چه نوع غذا میخورید ؟ - انسان برای چه غذا میخورد ؟ - آیا حیوانات هم غذا میخورند ؟ - درختها و گیاهها چه طور ؟ - بگیاها چه طور غذا میدهند ؟ - اگر از شما پرسند غذا چیست چه جواب میدهید ؟ - غذا هایی که انسان میخورد کدام است ؟ .
- ۲ - نام غذاهایی که میشناسید بگویید - چه غذا هایی را خام میخورید ؟ - چه غذا هایی را میپزید ؟ - غذا های حیوانی کدام است ؟ - غذا های نباتی کدام است ؟ .
- ۳ - تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

در شبانه روز بیش از سه وعده غذا نمیخورید

تا می توانید غذای ساده بخورید

نقاشی - از روی این شکلها بکشید و آنها را رنگ آمیزی کنید



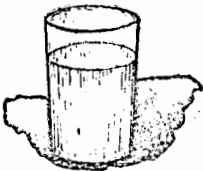
سیب زمینی



قند



نان



شیر



لویا



تخم مرغ

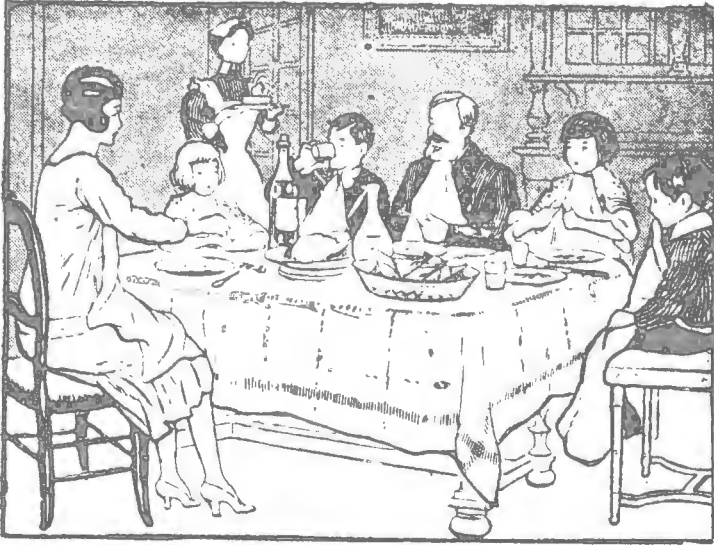


سیب

۲ تکه نان (از حیث فایده غذایی برای بدن) = ۳ حبه قند =

۲ سیب زمینی = ۳ سیب درختی = $\frac{2}{3}$ یک گیلان شیر = یک بشقاب لویای

پخته = یک تخم مرغ بزرگ .



سر میز غذا

من همیشه سر میز غذا راست می نشینم و
 بپشتی صندلی تکیه نمیکنم پیش از شروع غذا
 دستمال پاک و سفیدی روی زانوهایم پهن
 میکنم تا لباسهایم کثیف نشود هنگام غذا
 خوردن آرنجم را روی میز نمیگذارم و مراقب
 هستم که دست یا تنه ام مزاحم رفقایم نشود .
 سعی میکنم خیلی تمیز غذا بخورم نانرا

با دستم پاره میکنم و آنرا خرد خرد نمیکنم
 با کارد و چنگال و قاشق غذا میخورم چنگال را
 بدست چپ و کارد را بدست راست میگیرم
 گوشت را با کارد میبرم و تکه های کوچک از
 آن جدا میکنم هر تکه را با چنگال بدهان میبرم
 و خوب میجویم و بدون صدا فرو میبرم بادهان
 پر آب نمیخورم پس از آشامیدن آب لبهایم را
 با دستمال پاک میکنم .

سیب و گلابی و هلو و مانند آنرا گاز
 نمیزنم با کارد پوست میکنم و سه چهار قسمت
 می کنم و می خورم هیچوقت از غذا ایراد
 نمیگیرم و سعی میکنم نسبت بکسانی که بامن
 سر میز هستند مؤدب باشم .

پرسش - چرا موقع غذا خوردن روی زانو دستمال میاندازیم ؟ -
 چگونه باید سر میز غذا بنشینیم که باعث زحمت رفقای خورد نشویم ؟ - چرا
 بهتر است با کارد و چنگال و قاشق غذا بخوریم ؟ - چرا مخصوصاً سر میز
 غذا نباید از غذا ایراد گرفت ؟ .

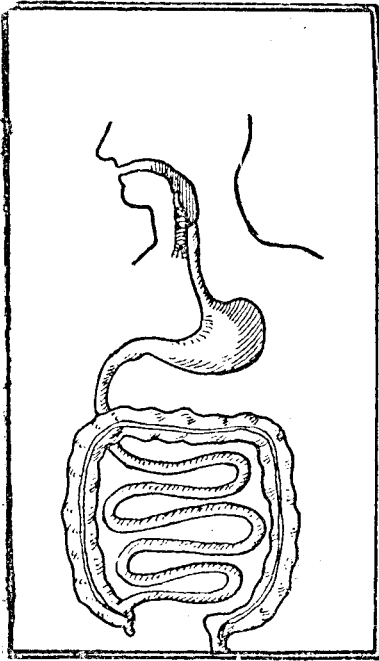
سر میز چگونه باید غذا بخوریم که دیگران بما نخندند ؟ - آیا آب را
 بهتر است کم کم بخوریم یا يك دفعه سر بکشیم ؟ - چرا ؟

غذا و بدن

ما روزی چند بار گرسنه می شویم و هر چه بیشتر حرکت بکنیم گرسنگی ما بیشتر می شود برای رفع گرسنگی باید غذا بخوریم .

اگر کمتر از آنچه لازم است غذا بخوریم لاغر میشویم و اگر مدتی غذا نخوریم میمیریم اما اگر باندازه غذا بخوریم تندرست و نیرومند می مانیم و چون مقداری از غذا جزو بدن می شود تا بیست و پنج سالگی روز بروز بزرگتر و سنگین تر میشویم هر چه بزرگتر شویم غذا بیشتر می خواهیم .

برای اینکه چگونگی غذا خوردن را در دریابید نخست بشکلی که در صفحه بعد است نگاه بکنید شکل انسانی است که اندرون بدنش پیدا است .



ترتیب غذا خوردن
این است که غذا را
در دهان میگذاریم و
با دندانها نرم می کنیم
(میجویم) غذا در
موقع جویدن با آب
دهان مخلوط میشود
و همینکه خیسیده و

نرم شد آنرا فرو می بریم غذا از لوله که
دهان را بمعده وصل می کند پایین میرود و
وارد معده می شود .

در معده چند قسم آب یا شیر هست که
غذا با آنها مخلوط و قدری آبکی می شود بعد
از معده بروده باریک می رود و در آنجا خوب
آبکی و روان می شود و در این وقت است
که میگویند غذا بتحلیل رفته یا گوارش یافته

است در اینجا قسمت صاف وزوان غذا را بدن
 بخود جذب می کند و باقیمانده آن که بدرد
 نمی خورد از راه روده بزرگ از بدن بیرون
 می رود .

۱- پرسش - شبانه روزی چند بار و در چه موقع گرسنه می شویم ؟ - در
 چه صورت گرسنگی سخت تر و بیشتر خواهد بود ؟ - برای رفع گرسنگی
 چه می کنیم ؟ - اگر کمتر از حد لزوم غذا بخوریم چه می شود ؟ - بچه ها چرا
 بیشتر از بزرگها غذا میخورند ؟ - غذایی که میخوریم بکجا ها می رود و چه
 می شود ؟ - چه وقت میگویند غذا بتحلیل رفته است ؟ - آیا غذایی که میخوریم
 همه اش جزو بدن می شود ؟

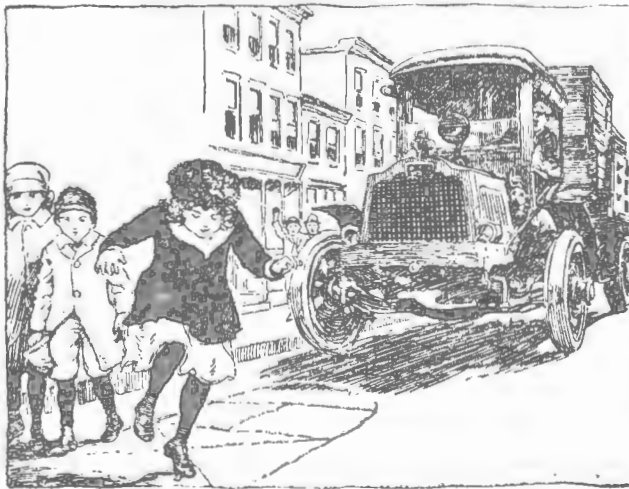
۲- املا - کلمات زیر را چند بار بنویسید و املاي آنها را یاد بگیرید :
 گرسنه - گرسنگی - رفع - لاغر - معده - مخلوط شدن - تحلیل رفتن
 غذا - باقیمانده .

۳- تکلیف - از روی این سرمشقها چند بار بنویسید :

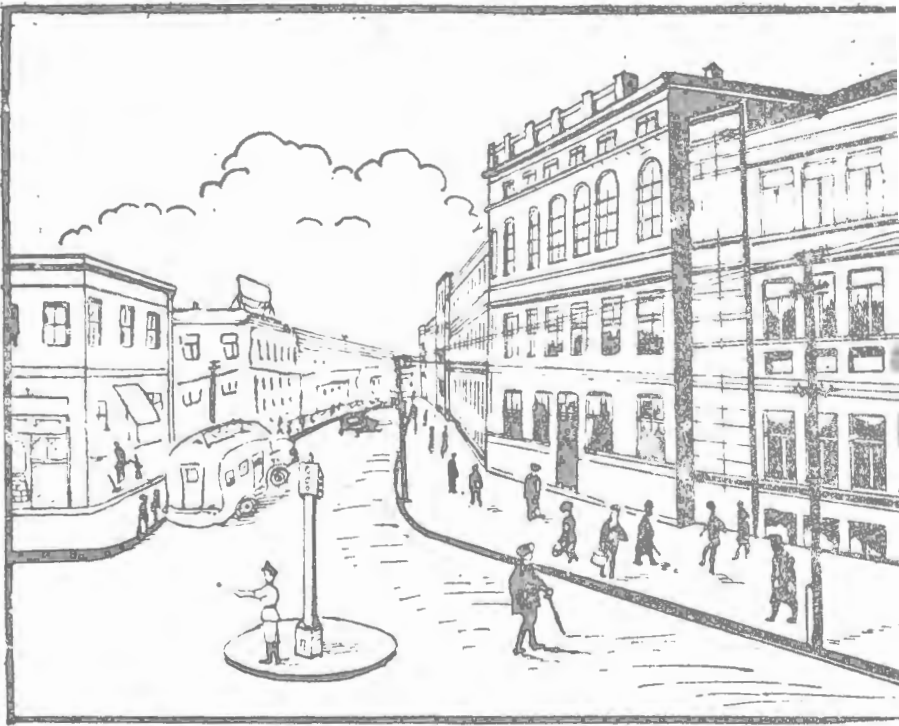
غذا با اندازه بخورید در حال سیری و بمیلی غذا نخورید



سرگرمی - شب در مقابل چراغ با دست خود شکل آدم درست کنید.



این بچه ها چه میکنند ؟ - در کجا بازی میکنند ؟ - آیا خطری متوجه آنها نیست ؟ - چرا ؟



راهنماهای ما

درآمدن بدبستان راه بعضی از ما از خیابانهای
 بزرگ است موقع گذشتن از این خیابانها
 باید احتیاط کنید که زیر درشکه یا اتومبیل
 نروید پس اگر بخواهید از يك طرف بطرف
 دیگر بروید اول دم پیاده رو می ایستید و
 طرف دست چپ خود را نگاه می کنید اگر

آزاد باشد تا وسط خیابان میرویم و آنجا نیز
قدری می ایستیم و طرف دست راست خود را
نگاه می کنیم و تا درشکه یا اتومبیل یا
چهار پایی نیامده است می گذریم .

در دو طرف خیابانهای بزرگ برای آمد
ورفت پیادگان پیاده رو ساخته اند و ماهمیشه
از پیاده رو میرویم .

در شهرهای بزرگ سرهر چهار راه
يك پاسبان راهنما ایستاده و با دست خود که
دستکش سفید دارد بما اشاره می کند که چه
وقت بایستیم و چه وقت بگذریم شبها در سر
چهارراههای بزرگ طهران عوض پاسبان راهنما
چراغ سرخ و سبز روشن می شود رنگ سرخ
نشان خطر است و وقتی که روشن میشود اتومبیلها
و درشکه ها و گذرندگان می ایستند و چون
رنگ سبز روشن شود حرکت می کنند و

میگذرند .

ما پاسبان راهنما را دوست می داریم
 زیرا در رفتن و آمدن بما کمک می کند و
 مواظب است که از اتومبیل و درشکه آسیبی
 بما نرسد چراغ هم که درشب کار پاسبان میکند
 بمنزله راهنما و کمک ما است و ما باید
 اشاره های این راهنمایان را اطاعت کنیم .

۱- پرسش - شما از چند خیابان می گذرید تا بدبستان برسید؟- نام
 آن خیابانها را بگویید؟ در آن خیابانها پاسبان راهنما دیده اید یا نه؟ کار آن
 پاسبانها چیست؟- آیا در محل شما چراغ راهنما هست یا نه؟- این چراغ برای
 چیست؟- تکلیف مناسب اشاره های پاسبان و چراغ راهنما چیست؟- هر خیابان
 چند قسمت دارد؟- پیاده رو برای چیست؟- وسط خیابان برای چیست؟- چرا
 وسط خیابان پهن تر از پیاده روا است؟- برای گذشتن از وسط خیابان چه
 احتیاطهایی باید بکنید؟

عبارت سازی : سه عبارت شبیه باین عبارت : « ما پاسبان راهنما را
 دوست می داریم » بسازید

مثال : ما آموزگار خود را دوست می داریم .



سرما خوردگی

پروین و پریچهر میخواستند بعاتد هر روز باهم مشغول بازی بشوند بیاد مهر انگیز افتادند پریچهر گفت دوروز است او را ندیده‌ایم خوب است برویم او را خبر بکنیم پروین گفت باید از مادرم اجازه بگیرم هر دو پیش مادر پروین رفتند ،

مادر گفت شنیده‌ام مهر انگیز سرما خوردگی پیدا کرده بروید اما مواظب باشید که زیاد نزدیک او نشوید چون بعضی از سرما خوردگیها مانند زکام واگیر دارد پروین و پریچهر بخانه مهر انگیز رفتند دیدند در رختخواب خوابیده است مهر انگیز از دیدن همبازیهای خود خوشحال شد گفت چند روز است سرما خورده‌ام سرفه و عطسه میکنم از دماغم آب میآید پز شک دستور داده است که در

رختخواب بخوابم و هر وقت بخواهم عطسه
بکنم دستمالی دم دهان خود بگیرم و کسی
هم زیاد نزدیک من نیاید .

پروین و پریچهر بهمدیگر نگاهی کردند
پریچهر گفت مادر پروین هم همین دستور را
بما داد .

۱- پرسش - چرا پروین و پریچهر خواستند مهر انگیز را هم
خبر کنند؟ - برای چه پروین خواست از مادرش اجازه بگیرد؟ - مادر
پروین پروین و پریچهر چه گفت؟ - چرا وقت عطسه کردن مهر انگیز دستمال
دم دهانش می گرفت؟ - شما وقتی میخواهید عطسه یا سرفه کنید چه میکنید؟ (۱)

چرا پزشك دستور داده است کسی نزدیک مهر انگیز نرود؟
۲- این لغتها را چند دفعه بنویسید و املاي آنها را یاد بگیرید (اجازه -
سرما خورده - سرما خوردگی - رختخواب - خوشحال - عطسه کردن -
سرفه کردن - نگاه - دستور)

۳- املا - نصف درس را املا کنید .

۴- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

بعضی سرما خور و گاهی آنقدر کام و اکیر دارد

(۱) (مثلا برای اینکه آب دهانه بصورت دیگران نپرد سرم را
برمیگردانم و یا دستمال دم دهانم میگیرم)



لباس زمستانی و تابستانی

در زمستان لباس پشمی می پوشیم برای اینکه پارچه پشمی گرمای بدن را نگاه میدارد و بدن در اینگونه پارچه گرم میماند مردمانی که در جاهای بسیار سرد زندگی می کنند در زمستان لباس پشمی بسیار کلفت می پوشند و بعضی از پوست جانوران از قیل خز و سنجاب تهیه لباس می بینند.

در تابستان بجای لباس پشمی لباس

پنبه‌یی و کتانی می پوشیم زیرا پارچه پنبه‌یی
و کتانی حرارت بدن را نگاه نمی‌دارد و بدن
در این قبیل پارچه‌ها از آسیب گرمای سخت
محفوظ میماند.

مردمان کشورهای گرمسیر لباس پشمی
کمتر محتاج میشوند و لباسشان در هر فصل
از جنس پنبه و یا کتان است و تفاوتی که
دارد این است که لباس زمستانیشان کلفت
و لباس تابستانیشان نازک و سبک است

۱- پرسش - در زمستان چگونه لباس می پوشیم؟ - چرا؟ - در تابستان
چه طور؟ - چرا؟ - مردمان کدام کشورها کمتر لباس پشمی می پوشند؟ - حالا چه
فصل است؟ - چگونه لباس پوشیده اید؟ - چرا؟

۲- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید:

در تابستان بجای لباس پشمی لباس پنبه‌یی و کتانی می پوشیم

خدمتگزار پیر

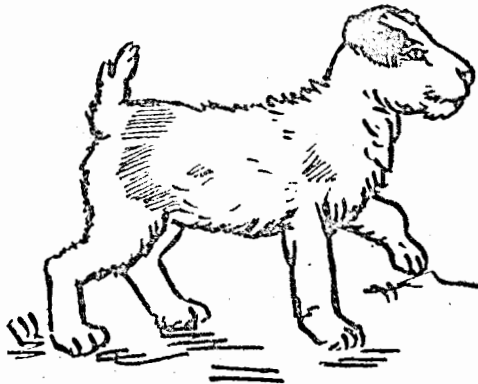
پیرزنی گربه‌بی داشت این گربه در خانه او
 پیر شده بود و از پیری دندانهایش ریخته بود نه
 میتوانست غذای خود را بجود و نه میتوانست
 تند بدود يك روز این گربه موشی گرفت و
 چون دندان نداشت نتوانست او را بکشد و
 موش از دهانش در رفت و فرار کرد پیرزن
 که این حال را دید خشمگین شد و گربه را
 کتک زد گربه چیزی نگفت اما نگاه مخصوصی
 بصورت پیرزن کرد پیرزن فهمید که میخواهد
 بگوید خدمتگزار قدیمت را چرامیزنی من
 چندین سال بتو خدمت کرده‌ام حالا هم دلم
 می‌خواهد برایت کار بکنم اما چه کنم که پیر و
 بی‌قوه شده‌ام پیرزن که خودش هم از درد
 پیری خبر داشت دلش بحال گربه سوخت و او را

نوازش نمود و از آن پس با او بمهربانی رفتار کرد و دیگر او را نرنجانید .

- ۱- پرسش - گربه پیرزن چرا نمیتوانست غذای خود را بجود ؟ - موش چرا از دهان او رها شد و فرار کرد ؟ - از نگاه مخصوص گربه پیرزن چه فهمید ؟ پیرزن چرا دلش بحال گربه سوخت ؟
- ۲- پرسش فکری - چرا باید باشخاص پیر کمک کرد ؟ - نسبت بخدمتکاری که چندین سال در خانه شما خدمت کرده و حالا پیر شده است چگونه رفتار میکنید ؟ - چرا ؟ (۱)
- ۳- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

پیرزن با گربه خود بمهربانی رفتار کرد

نقاشی - شکل ساده این سگ را بکشید:



(۱) راجع بلزوم حسن رفتار با خدمتکاران خانه و همچنین راجع بلزوم حسن رفتار با حیوانات خانگی و مفید گفتگو شود .

قند و نمك

اسباب كار - چند جبه قند - چند تکه نمك - آب - نمایی - فاشق - چراغ الکلی یا منقل آتش .

پرسش پیش از درس - نمك بچه درد میخورد ؟ - قند بچه كار میخورد ؟ چه غذاها را می شناسید که باید با آنها نمك زد ؟ بچه غذاها نمك نمیزند ؟ - با قند چه چیزها درست می کنند ؟

۱- ذره های بلورین قند و نمك - قند

و نمك هر دو از دانه های كوچك برآق و شبیه بخرده شیشه درست شده است اینگونه دانه ها را ذره های بلوری مینامند و می گویند که قند و نمك از ذره های بلوری درست شده است .

۲ - فرق قند و نمك - اگر يك جبه قند

و يك تکه نمك را خوب بکوییم از هر دو گردی سفید رنگ بدست میاید که تا نچشیم معلوم نمیشود کدام قند و کدام نمك است نتیجه آنکه ذره های قند و نمك در رنگ یکی است اما در مزه تفاوت دارد .

۳- حل شدن قند و نمک در آب - پاره‌یی نمک یا قند را اگر در آب بیندازید و بهم بریزید قند و نمک خرده خرده کم میشود تا تمام بشود در این حال قند و نمک از بین نمیرود بلکه ذره هایش در آب حل میشود یعنی جزو آب میشود و بشکل آب درمیآید دلیلش اینکه اگر دو آب را بچشیم می‌بینیم یکی شیرین و دیگری شور است دلیل دیگر اینکه اگر قدری از آب شیرین یا شور را در نعلبکی بریزیم و در آفتاب یا در روی آتش بگذاریم آب کم کم بخار میشود و در ته دو نعلبکی دانه های سفید یا ذره های بلوری قند و نمک دیده میشود .

۴ - نمک از کجای می‌آید؟ - آب دریا خیلی شور است و میتوان نمک از آن گرفت . باین ترتیب که در کنار دریا حوضچه های پهن و کم ته می‌کنند و آب دریا را در آنها راه میدهند

و پس از پر شدن راهش را می بندند آفتاب بر
حوضچه ها میتابد و آب آنها را در مدت چند
روز می خشکاند و در ته هر حوضچه يك طبقه
نمك باقی می ماند این نمك را بایلهای سر کج
جمع می کنند و پس از صاف کردن بمصرف
می رسانند.

سنگ برخی از کوهها هم نمك خالص
است و کارگران آن سنگها را می کنند و برای
خرید و فروش باطراف میبرند نمك سنگ در
کوههای یزد و قم هست و معمولاً آنرا نمك
ترکی می گویند.

ه- قند از چه درست میشود؟ - قند را
از يك نوع چغندر مخصوص می گیرند باین
ترتیب که چغندر قند را در کارخانه قند سازی
می فشارند تا شیره اش بیرون بیاید شیره را در
دیگهای بزرگ میجوشانند آب آن بخار میشود

و قند باقی می ماند .



قند را از
نیشکر هم
میگیرند نیشکر
قسمی از نی
است که در
گرمسیرها
می روید و
چون از آن
شکر می گیرند
آن را نیشکر
می گویند .

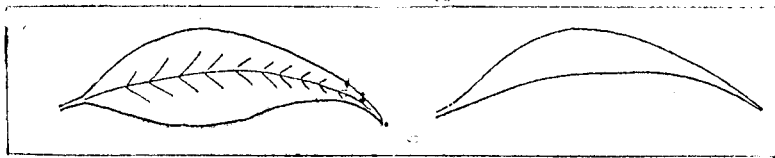
- ۱ - پرسش يك تکه نمك سفید را از يك جبه قند چگونه تشخیص می دهید ؟ - خاکه قند را از خاکه نمك چه طور تشخیص می دهید ؟ - اگر آب شیرین و یا آب شور را بجوشانند تابکلی بخار شود در ته ظرف چه میماند ؟ - نمك از کجا بدست می آید ؟ - بچه طریق ؟ - قند را از چه میگیرند ؟
- ۲ - جواب این پرسشها را بنویسید (کارهایی که میشود یکویکی بنویسید) - برای شیرین کردن چای چه میکنید ؟ - مادر شما نمك را از کجا برمیدارد و چگونه در غذا میریزد ؟

- ۳ - کلمات زیر را چند دفعه بنویسید و املاي آنها را یاد بگیرید:
- يك جبه قند - براق (برق) - خرده شیشه - ذره - حل شدن - نعلبکی - حوض -
 حوضچه - طبقه - بمصرف رسانیدن - چغندر - نیشکر (سرهم بنویسید)
- ۴ - تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

قندونک از ذره های بلوری درست شده است

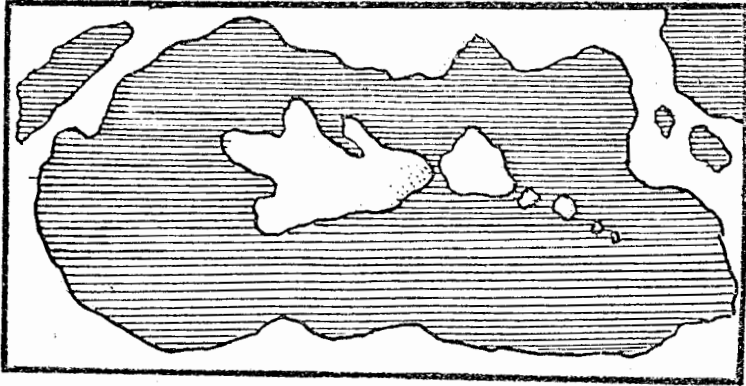


نقاشی - از روی این شکل بکشید :



رسم - مطابق شکل زیر روی کاغذ شطرنجی بکشید:





دریاچه و جزیره

در یکی از درسهای پیش خواندید که آب زمین سه برابر خشکی زمین است از این تقسیم چنین تصور نکنید که هر کجا آب هست خشکی وجود ندارد و هر کجا خشکی است آب وجود ندارد بنقشه بالای صفحه بدقت نگاه کنید و قسمتهایی که دارای خطهای سیاه است ببینید .

این قسمتها گودالهای بزرگی است که در خشکی وجود داشته و آب آنها را پر کرده است زیرا آب از بلندی روپستی میرود

و هر جا که گود باشد پر میکند این گودیها را که آب پر کرده است دریاچه می نامند دریاچه ها چنانکه نقشه هم نشان میدهد بهم راه ندارد و همه طرف آنها را خشکی گرفته است دریاچه ها همه بیک اندازه نیست و کوچک و بزرگ دارد.

در درون آن هم قسمتهای سفید رنگ می بینید و این قسمتها خشکیهای بزرگ و کوچک است که هر طرف آنها را آب گرفته و بهم راه ندارد این خشکیها را جزیره مینامند برخی از این جزیره ها آباد و پر جمعیت است و مردم در آنها شهر ها و دهکده ها ساخته اند و برخی کم جمعیت است یا اینکه اصلاً (۱) سکنه ندارد و یامسکن مردمان وحشی است.

۱- پرسش - آیا درون خشکی زمین آب وجود دارد یا نه ؟

(۱) اصلاً چنین خوانده میشود : اصلن

آبهای که در خشکی می‌بینیم از کجا آمده و چگونه جمع شده است؟ - دریاچه چیست؟ آیا دریاچه‌ها بهم راه دارد؟ آیا در آن بخشهای زمین که آب است خشکی وجود دارد یا نه؟ - این خشکیها را چه مینامند؟ - جزیره چیست آیا جزیره‌ها بهم راه دارد؟ در جزیره‌ها آبادانی و جمعیت هست یا نه؟

۲- جواب این سؤالات را بنویسید:

(۱) - جزیره چیست؟

(۲) - دریاچه چیست؟

(۳) - آیا دریاچه‌ها بهم راه دارد؟

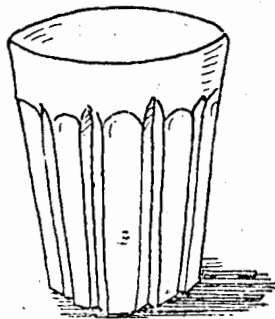
(۴) - آیا جزیره‌ها بهم راه دارد؟

۳- تکلیف - از روی این سرمشق چندبار بنویسید :

آب زمین سه برابر خشکی زمین است



نقاشی : از روی این شکل بکشید :



اسکندر و سرباز

اسکندر از پادشاهان بزرگ یونان قدیم
بوده است .

اسکندر لشکریان جنگی بسیار داشت و
واورا اسبی پرزور بود که بسیار تند راه میرفت
روزی بر اسب خود سوار بود از
جلوی لشکریان خود میگذشت و سربازان را
دیدن میکرد چشمش بسر بازی افتاد که بر
اسبی ناتوان و لاغر سوار بود باو گفت این
اسب مردنی چیست که بر آن سوار شده یی ؟
سرباز خندید و در جواب گفت من بر این
اسب نشسته ام تا همیشه در میدان جنگ بمانم
و تو بر آن اسب تیز رو نشسته یی تا بتوانی از
میدان جنگ بگریزی .

۱ - پرسش - اسکندر که بوده است ؟ - اسب اسکندر چه طور بود ؟

اسکندر وقتی چشمش با اسب سرباز افتاد چه گفت ؟ - سرباز چه جواب داد ؟

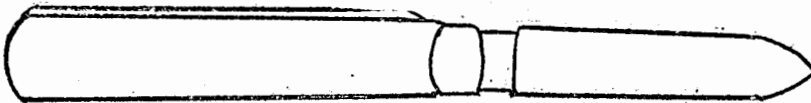
۲- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

اسکندر از پادشاهان بزرگ یونان قدیم بوده است

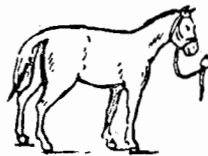


نقاشی :

۱- از روی این شکل با ستاره بکشید :



۲- شکل ساده اسب را بکشید :



موادی که در آب حل

میشود

در افسانه های قدیم آمده است :

«الاهی که بارش نمك بود از جوی آبی می گذشت از قضا پایش لغزید و بابار در میان آب افتاد و پس از آنکه پیاری صاحبش برخاست بار خود را سبك یافت و خیلی خوشحال شد روز دیگر پشتم بارش بود و وقتی که از آن جوی آب می گذشت بخیال اینکه بارش سبك بشود باز در آب خوابید اما در این نوبت بارش سنگین تر شد بطوری که نتوانست از جای برخیزد»



اکنون باید دید که سبب سبك شدن بار
الاغ در نوبت اول و سبب سنگین شدنش در

نوبت دوم چه بوده است ؟ در نوبت اول که نمك بارش بود مقداری از نمك در آب حل شد و وزن آن کمتر شد و در نوبت دوم پشمی که بار الاغ بود مقداری آب بخود کشید و و وزنش بیشتر شد .

آب بعضی چیز ها را در خود حل میکند یعنی مقداری از آن چیز ها داخل آب و جزو آب میشود و دیگر دیده نمیشود يك قطعه سنگ و يك تکه نمك را در لیوان آب بیندازید و با قاشقی بهم بزنید نمك رفته رفته در آب حل میشود اما سنگ بحال خود میماند .

وقتی شربت قند درست میکنید هنگامی میرسد که هر چه بهم بزنید قند حل نمیشود و مانند سنگ در ته ظرف میماند سبب اینست که آب از قند سیر شده است و دیگر نمیتواند آنرا حل بکند اما اگر آب را گرم بکنید نمك و قند در آن

بیشتر حل میشود.

۱ - پرسش - روز اول روی الاغ چه بار کرده بودند ؟ - در جوی آب چه بر سر الاغ آمد ؟ - وقتی الاغ بلند شد چه احساس کرد ؟ - روز دوم بار او چه بود ؟ - این دفعه الاغ چه کرد ؟ - روز اول چرا بارش سبك تر شد ؟ - روز دوم چرا بارش سنگین تر شد ؟ - آب غير از نمك چه چیزهای دیگر را حل میکند ؟

۲ - این لغات را چند بار بنویسید و املاي آنها را یاد بگیرید :

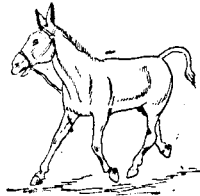
ازقضا - لغزید - برخاست (فرق آن باخواست)

۳ - تجربه کنید :

(۱) در يك استكان آب سرد و در يك استكان آب داغ آن قدر قند حل کنید كه هر دو سیر بشوند ببینید در کدام يك بیشتر و زود تر قند حل میشود .

(۲) چیزهای مختلف (قند - شكر - نمك - آرد - گچ - خاک...) را در آب بریزید و بهم بزنید ببینید کدام يك در آب حل میشود .

نقاشی - شكل ساده این الاغ را بکشید :



آب مایهٔ زندگی است

آب مایهٔ زندگی است و آدمی و جانوران و گیاهها بی آب زنده نمیمانند جانور هم مانند انسان از تشنگی بی تاب و توان میشود و اگر مدتی دور از آب بماند می میرد حیوانی که مدتی تشنه مانده است وقتی که آب می بیند خود را بی پروا بآن میرساند و با شتاب و حرص مخصوص آب میخورد و از این حال معلوم میشود که تاچه اندازه از تشنگی در رنج و عذاب بوده است.

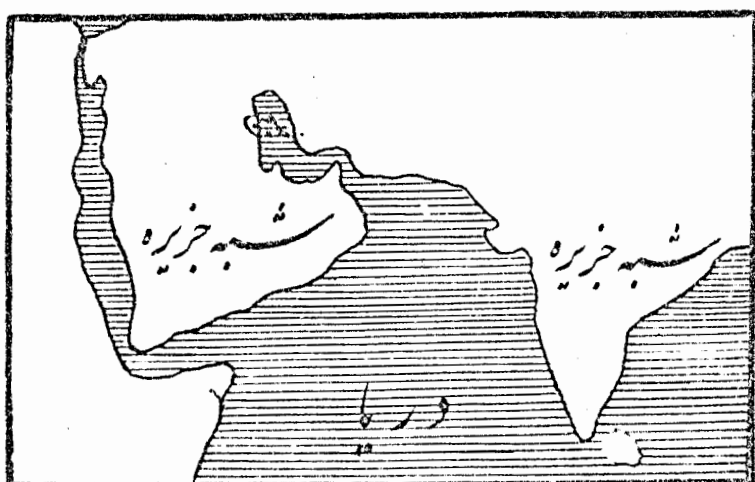
بیشتر حیوانات مانند انسان از آب تنی لذت میبرند در موقع گرمی هوا بعضی پرندگان بر لب آب جمع میشوند و با هیاهو و خوشحالی مخصوص پر و بال خود را بآب میزنند و بهمه جای خود آب میپاشند گاو و اسب و سگ وقتی که بنهر آبی میرسند داخل نهر

میشوند و مدتی در آب میمانند تا از سختی
گرما آسوده شوند.

بعضی از حیوانات آشیانه ولانه خود را
در کنار رود خانه میسازند و بعضی از قیل
قورباغه و پاره‌یی مارها و کرمهای خاکی جاهای
نمناک و خنک را دوست دارند قورباغه در
جایی که رطوبت نیست مقداری بزمین فرو
میرود تا بخاک نمناک برسد و در آنجا راحت کند.

- ۱- پرسش - آیا حیوانات بآب نیاز مندند؟ - و قتیکه بآب برسند چه میکنند؟ -
چند مثال بیاورید؟ - چه حیواناتی جای نمناک و خنک را دوست می دارند؟
خود شما وقتی تشنه میشوید چه حالی پیدا میکنید؟ - با آب چه کارها
میکنید؟ - کارهایی را که دیروز با آب کرده اید یا دیگران برای شما انجام
داده اند بخاطر بیاورید و بنویسید و بعد از نوشتن برای رفقای خود بخوانید.
- ۲- املا - این کلمات را چند بار بنویسید و املاي آنها را یاد بگیرید:
تشنه - تشنگی - حرص - مخصوص - عذاب - هیاهو - قورباغه .





دریا و خلیج و شبه جزیره

نقشه بالا آب را با خطهای سیاه و خشکی را سفید نشان میدهد. در این نقشه در میان خشکی بخشهای بزرگی از آب می بینید که آبهای دیگر راه دارد. این بخشها را دریا می گویند. دریاها بعضی بزرگ و بعضی کوچکند و آب همه شور است. در دریا انواع ماهی بزرگ و کوچک فراوان است و مردم بعضی آنها را شکار میکنند و بمصرف فروش و غذا می رسانند.

بخشی از آب را که درون خشکی پیش
رفته است خلیج می نامند و بخش بزرگی از
خشکی را که در آب پیش رفته باشد شبه جزیره
میگویند شبه جزیره سه طرفش آب است و
يك طرفش متصل بخشکی است .

۱- پرسش - دریا چیست ؟ - خلیج چگونه است ؟ - تفاوت میان دریا
و دریاچه چیست ؟ - از دریا و دریاچه مردم بچه وسیله میکنند ؟ - شبه جزیره
چیست ؟ - تفاوت میان جزیره و شبه جزیره چیست ؟ - در نقشه های دبستان
آرا بچه رنگ نشان داده اند ؟ - و خشکی را بچه رنگ ؟
۲- جواب این پرسشها را بنویسید :

(۱) دریا چیست ؟

(۲) خلیج چیست ؟

(۳) شبه جزیره چیست ؟

(۴) آیا دریا ها بهم راه دارند ؟

۳- نقشه کشی - از روی نقشه صفحه ییش بکشید و نام هر قسمت را
رویش بنویسید .



نیاز مندی انسان بآب

آبی که میخوریم تنها تشنگی ما را فرو نمی‌نشانند بلکه اندرون بدن ما را هم می‌شوید و از چیزهای ناپاک پاك و پاکیزه می‌سازد پس باید در هر روز سه چهار بار آب صاف و پاکیزه بخوریم تا اندرون بدن ما پاك بشود و تندرستی ما برقرار بماند .

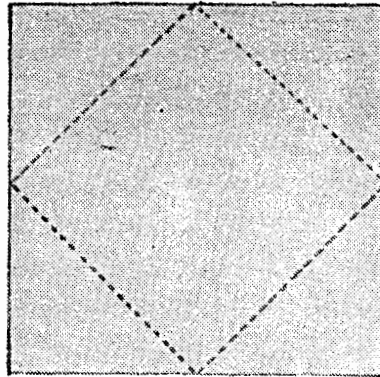
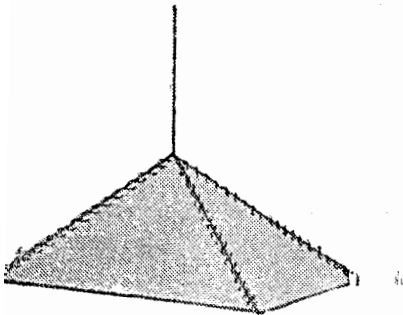
بزرگترین فایده آب ساختن خون است که زندگی بدان برپااست آبی که می‌آشامیم قسمتی از آن جزو خون می‌شود و خون را تازه و نیرومند می‌کند کار خون رسانیدن غذا به همه بدن است غذایی که میخوریم وارد خون میشود و خون در گردش خود آنرا به همه جای بدن می‌رساند پس اگر آب نیاشامیم خون بدن ما تازه و نیرومند نمی‌شود و چنانکه باید غذا را به همه بدن نمیرساند .

پرسش - برای چه آب می‌خوریم ؟ - غیر از رفع تشنگی آیا آب
فایده دیگری هم دارد ؟ - بزرگترین فایده آب چیست ؟ - کار خون چیست ؟



کاردستی :

- ۱- از مقوا یک چهار گوش ببرید .
- ۲- مطابق نقشه دست راست روی آن نقطه چین بکنید
- ۳- مطابق خطهای نقطه چین تا کنید و لبه سه گوشه‌ها را بهم بدوزید تا
جسمی مانند شکل دست چپ درست شود.





خروس و روباه

روباهی از نزدیک دهی میگذشت خروسی
 را دید که دانه برمی چیند پیش رفت و سلام
 کرد و گفت پدرت خروسی بسیارخوش آواز
 بود و من هر وقت از اینجا میگذشتم و آواز
 او را می شنیدم دلخوش میشدم .
 خروس گفت من هم در آواز کمتر از پدرم

نیستم و بعاتد خروسان چشمهای خود را بست
و بالها را برهم زد و بنای خواندن گذاشت
روباه هم فرصت یافت جست و او را گرفت



سگهای ده خبر شدند و روباه را دنبال کردند
خروس بروباه گفت اگر میخواهی از دست
سگها در امان باشی فریاد کن و بگو خروسی
که من گرفته‌ام از ده شما نیست از ده دیگر است
روباه فریب خورد و همینکه دهان خود را بفریاد
باز کرد خروس پرید.

روباه از روی پشیمانی نگاهی بخروس
کرد و گفت لعنت بدهنی که بیموقع باز شود
خروس گفت لعنت بچشمی که بیموقع بسته شود

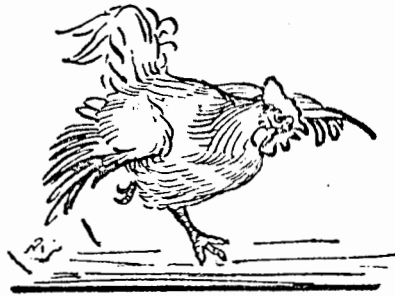
۱- پرسش : روباه بخروس چه گفت ؟ - خروس چه جواب داد ؟ - بعد چه کرد ؟ - سگهای ده چرا روباه را دنبال کردند ؟ - خروس چه گفت ؟ - روباه چه کرد ؟

۲- املا : این لغات را چند بار بنویسید و املاي آنها را یاد بگیرید :
خوشدل (همیشه سرهم) - عادت - فرصت - رهایی - لعنت - موقع
حکایت بالا را املا کنید .

۳- بازی - از شاگردان یکی خروس و یکی روباه بشود و حرفهای آنها را تکرار کنند.

۴- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

خروس گفت لعنت بپیشی که بی موقع بسته شود



این خروس چه حالی دارد ؟



آب در هوا

در هوا آب هست — حوله تری را که در آفتاب روی درختی پهن بکنید پس از مدتی آب آن بهوا میرود و حوله خشک میشود.

سماور که میجوشد بخار آب از سوراخهای آن خارج میشود و بهوا میرود و کم کم ناپیدا میشود و دیگر آنرا نمی بینید

آب از جا های بسیار داخل هوا میشود مثلاً وقتی که باران می آید یا رفتگران خیابان را آب می پاشند زمین تر می شود اما پس از چندی آب بهوا میرود و زمین می خشکد.

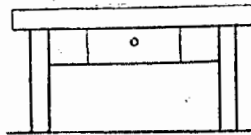
در روزهای بهار صبح زود بیرگ درخت و گل که نگاه بکنید در روی آنها قطره های کوچک آب می بینید که ژاله یا شبنم گویند اما وقتی که آفتاب پهن و هوا گرم شد اثری

از ژاله و شبنم نیست زیرا بخار شده و بهوا رفته است .

پرسش - وقتی که سمارو میجوشد بخار آب آن بکجا می رود ؟ - آیا بخار آنرا می بینید ؟ - چه وقت بخار آنرا نمی بینید ؟ - رخت شسته را چرا روی بنده آویزان میکنند ؟ - آب آن چه میشود ؟ - آیا میتوانید بگویید آب از کجا ها داخل هوا میشود ؟ - ژاله یا شبنم چیست ؟
معنی این لغات را بگویید : رفتگران - اثر .



رسم - از روی این شکل با ستاره بکشید و رنگ آمیزی کنید.



رنگ آمیزی: سه رنگ اصلی عبارت است از آبی و زرد و قرمز:

- ۱- اگر رنگ آبی و زرد را مخلوط کنید سبز میشود
 - ۲- اگر رنگ آبی و قرمز را مخلوط کنید بنفش میشود
 - ۳- اگر رنگ زرد و قرمز را مخلوط کنید نارنجی میشود
- اگر شما سه رنگ آبی و زرد و قرمز دارید با آنها میتوانید رنگهای سبز و بنفش و نارنجی هم درست کنید .

گیاهها بآب نیاز مندند

گیاه هم مانند انسان و جانوران محتاج بآب است و برای اینکه خوب بروید و بزرگ شود گذشته از نور آفتاب و خاک خوب آب هم باید بخورد در جاهایی که گرما و باران



بسیار است انواع نباتات باسانی و فراوانی میروید و گاهی جنگلهای انبوه و پر درخت بوجود میآید کسی که میخواهد در این جنگلها برود باید مقداری از شاخه های درختان و

علفها را ببرد تاراهی برای خود باز کند و پس از چند روز اگر بخواهد بر گردد آن راه را پیدانمیکند زیرا درختها و علفها دوباره رسته و راه



را کور کرده است .
در صحرا با وجود
گرمای سخت گیاه و
درخت نمیروید و سبیش
کمی بارندگی و
خشکی زمین است در
صحرا و بیابان اگر

بخواهند زراعت کنند و درخت بکارند باید از
کوه با نهر یا قنات آب بیاورند .

۱ - پرسش - گیاه برای رویدن بچه چیزها نیازمند است ؟ - اگر
بگیاه آب نرسد چه می شود ؟ - اگر بیای آب نرسد آب باغ چه حال پیدا خواهد
کرد ؟ - جنگلهای انبوه در کجاها پیدا میشود ؟ - چرا در بعضی صحراها
درخت و سبزه نایاب یا کم است ؟ - در اطراف ده یا شهر شما جنگل هست ؟ -
صحرا چه طور ؟ - در صحرای نزدیک شهر یا ده شما درخت و علف وجود دارد
یا نه ؟ - چرا ؟

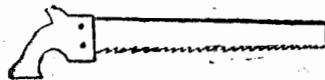
۲ - گردش علمی - در ده و یا شهر خود ملاحظه کنید :

- (۱) آب از کدام سمت می‌آید ؟
 (۲) آب نهر است یا قنات ؟
 (۳) حرکت آب تند است یا کند ؟ - سبب تندی یا کندگی آن چیست ؟
 این مطالب را عبارات ساده بنویسید .
 ۴- تکلیف - از روی این سرمشق چندبار بنویسید:

گیاه هم مانند انسان و جانوران محتاج آب است



نقاشی - از روی این شکل بکشید :



چرا تذللار مستم

دختر بیچه های دبستان دور جمشید را
گرفتند و گفتند تو چه کار میکنی که همیشه
تندرست و خرم و خندانی؟ گفت بدستور
مادرم رفتار میکنم گفتند بما هم بگو که
یاد بگیریم گفت هر روز پیش از آفتاب از خواب
بر میخیزم لباس خانگی خود را می پوشم
پنجره های اطاق را باز میکنم میروم توی
حیات در هوای پاکیزه صبح قدری گردش و
ورزش میکنم دست و رویم را با آب سرد
میشویم دندانهایم را مسواک میزنم بعد
چای و صبحانه ام را میخورم دیگر تا ظهر
هیچ چیز نمیخورم ظهر هم ناهار میخورم
همیشه پیش از غذا و بعد از غذا دست و
دهانم را میشویم هنگام نفس کشیدن دهانم
را می بندم و از راه بینی نفسهای بلند میکشم

در دبستان وقت درس درس می خوانم
و وقت تفریح عوض اینکه یکجا بنشینم
میدوم و بازی میکنم شب درسهای روز
خود را حاضر میکنم وقت شام غذای سبک
میخورم يك ساعت بعد از شام می خوابم -
در خوابیدن سرم را از لحاف بیرون میگذارم
چشم و دهانم را می بندم و تا صبح راحت
می خوابم صبح که بلند میشوم تندرست و با
نشاط هستم.

۱ - پرسشی - چه ساعت نهار میخورید ؟ - چه ساعت شام می
خورید ؟ - قبل از خوابیدن دندانان را مسواک میزنید ؟ - چگونه مسواک
میزنید ؟ (۱) - چه ساعت می خوابید ؟ - چه وقت بیدار میشوید ؟ - برای
اینکه تندرست باشید چه کارها باید هر روز بکنید ؟ - صبح که از خواب
بر میخیزید تا دبستان بیایید چه کارها می کنید ؟

(۱) هرگاه نوآموزان طریقه صحیح مسواک زدن را نمیدانند باید
طریقه صحیح را عملاً بآنها یاد داد : مسواک را باید از بالا بیابین و از پایین
بیالا کشید تا لای دندانها پاك شود بعد روی لثه ها و سر دندانها و پشت
دندانها را هم باید مسواک کشید .

۲- اولای این افتخار را خوب یاد بگیرید: همیشه - خانه - خانگی - حیاط - مسواک - صبحانه - ناهار - تفریح - عوش - حاضر - غذا - لحاف .
نصف درس را بشاگردان املا کنید .

۳- تکلیف - از روی این سر مشق چند بار بنویسید :

وقت شام غذای سبک می خورم یک ساعت بعد از شام می خوابم



بیچہ خوب

بیچہ خوب و عاقل و هشیار
 اول صبح می شود بیدار
 میرود از اطاق خود بیرون
 میبرد آب و حوله و صابون
 میکند دست و روی خود را پاک
 خوب دندان خویش را مسواک
 می زند شانه تمیز بموی
 صاف و بر آق میکند سر و روی
 می نماید لباس خود در بر
 می رود با ادب پیش پدر
 سخن اول و شروع کلام
 می کند با پدر بمهر سلام
 میرود با دهان خندان پیش
 می زند بوسه دست مادر خویش

می نشیند برای صبحانه
 بعد از آن ترك می کند خانه
 بدبستان برای کسب کمال
 بیچه خوب می رود خوشحال

ع - یمینی شریف

گرد و غبار در هوا

گرد و غبار در هوا - پروین از آموزگار
 پرسید در صورتیکه موقع تابستان مدرسه
 تعطیل است و در کلاسها بسته است چرا
 پانزدهم شهریور که فراش مدرسه می آید و
 درها را باز میکند روی تمام میز و نیمکت و
 صندلیها را خاک گرفته است ؟
 آموزگار گفت چون هوا گرد و غبار

دارد و این گرد و غبار روی چیزها می نشیند
 و جلوگیری از آن ممکن نیست خانه میز مرا
 ببینید هر روز عصر آنرا پاک میکنم و درش
 را می بندم و میروم صبح که بدبستان
 برمیگردم و در آنرا باز میکنم هرچه در آن
 گذاشته ام خاک گرفته است چگونه خاک
 وارد خانه میز می شود ؟ سببش این است که
 همیشه مقداری هوا داخل آن میشود و گرد
 و غبار هوا روی چیزهایی که در آنجا است
 می نشیند مگر در خانه ندیده اید که مادرتان
 لباسها را در گنجه میگذارد و در گنجه را
 می بندد اما پس از يك هفته که در را باز
 میکند می بیند که گرد و خاک روی لباسها
 نشسته است و ناچار است ماهوت پاک کن
 بآنها بزند سبب خاک آلود بودن برگ درختها
 هم همین است و هر وقت باران بیاید خاک

آنها را می شوید و میرد و برگها تر و تازه می شوند .

۱- پرسش - چرا پس از تعطیل تابستان روی میز و نیمکت و صندلیها را خاک گرفته است ؟ - چرا روی اسبابهایی که در خانه میز و یا توی گنجی است گرد و خاک میگیرد ؟ - برای گرفتن گرد لباس چه میکنید ؟ - فراش دبستان چگونه میز و نیمکت را گردگیری میکند ؟

۲- فکر کنید و جواب دهید - بگویید گرد و خاک از کجا وارد هوامیشود ؟ - وقتی می خواهید حیاط را جاروب کنید چه باید بکنید که گرد بلند نشود ؟

۳- عبارت سازی - سه جمله شبیه باین جمله :

« تابستان مدرسه تعطیل است »

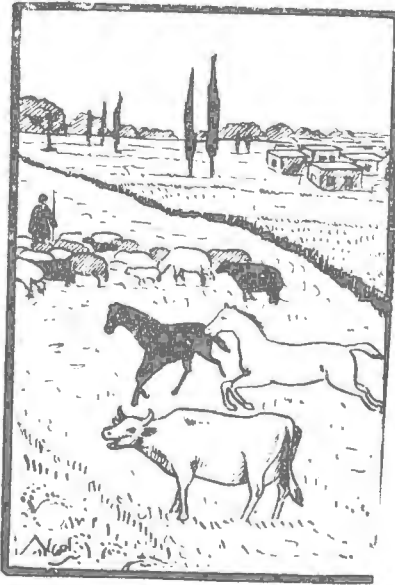
بسازید .

۴- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

هو اگر دو غبار دارد و این گرد و غبار روی چیزهای نشیند



درس - جلگه و صحرا



خشکی زمین در
همه جا یک شکل
نیست و در آن زمین
های پست و بلند و
هموار و ناهموار دیده
میشود زمینهای صاف
و هموار را دشت یا

جلاگه می گویند در بعضی جلگه ها هوا
خوب است و بارندگی بسیار و سبزه و علف
فراوان است در اینگونه جلگه ها شهر و
دهکده بسیار ساخته میشود و بیشتر مردمان
آن زراعت میکنند و گاو و گوسفند و اسب
پرورش میدهند.

در بعضی از زمینهای صاف و هموار

هوا بسیار خشك و بارندگی كم است اینگونه
زمینها را صحرا میگویند صحرا ها عموماً



بی آب و گیاه و خالی
از مردم و آبادی است
و مردم از آنجا با شتر
عبور می کنند در
برخی از صحراها شن
و ریگ فراوان است
و گاهی که باد میوزد

این شنها باطراف پراکنده و هوا تیره و تار
میشود و مسافر راه خود را گم میکند .

در صحرا آب بدست نمی آید و مسافر
صحرا باید آب با خود بر دارد و گر نه از
تشنگی هلاك میشود .

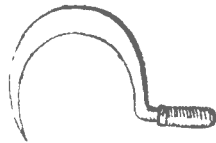
۱- پرسش - چنگ چگونه زمینی است؟ - در کدام جلگه ها شهر و دهکده بساز ساخته می شود؟ - در این جلگه ها مردم چه میکنند؟ - صحرا چگونه زمینی است؟ - تفاوت میان جلگه و صحرا چیست؟ - در صحرا چگونه مسافرت می کنند؟ - آیا مسافرت در صحراها آسان است؟ - چرا؟
آیا در اطراف شهر باده شما چنگه هست؟ - آیا در آن زراعت میشود؟
چه چیزها زراعت میکنند؟ - چه حیوانانی نگاه داری میکنند؟

۲- گردش علمی - ملاحظه وسعت و همواری زمین جلگه و صحرا (در چنگه های هموار هم پستی و بلندیهای کوچک دیده میشود) - اگر در جلگه آب فراوان باشد دهپای نزدیک بهم است و زراعت فراوان میباشد - ملاحظه حیوانات جلگه - در چنگه اطراف شما چه نوع حیوان بسیار است؟
۳- تکلیف از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

زمینهای صاف و هموار را دشت یا جلگه میگویند

نقاشی :

۱- از روی این شکل بکشید :



۲- شکل سده گاو را بکشید .



دشت

گیتی سبز است و خرم
 نسیم آید د مادم
 این زیبایی در عالم
 از دل برون برد غم
 آب روان بجوی است
 گلها بارنگ و بوی است
 قمری بشست و شوی است
 بلبل در گفتگوی است
 خوش بود اکنون بتماشا رویم
 خانه گذاریم و بصرار رویم
 تازه کند باد بهاری روان
 تازه تر از تازه شود جسم و جان



از دشت سبز و خندان
از گلشن آبادان

از سایه درختان
شادان شود جسم و جان

گل‌های سرخ نیکو
بازنبق و باشب‌بو

با نرگس‌های خوشبو
رویده بر لب جو

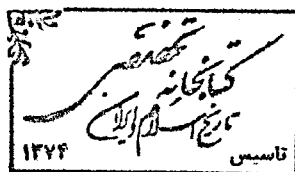
باد بهاری وزد از کوهسار

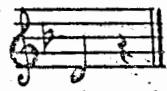
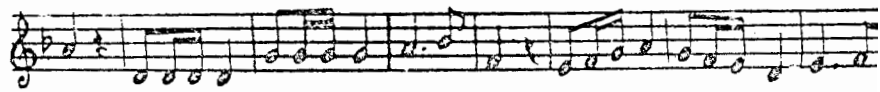
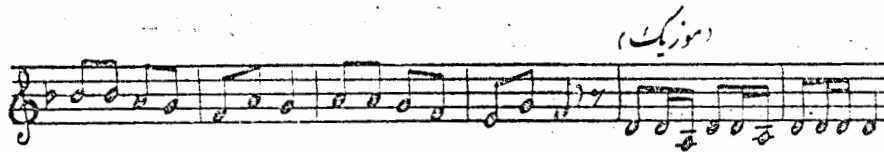
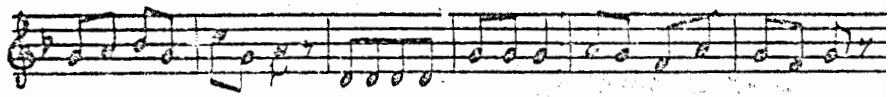
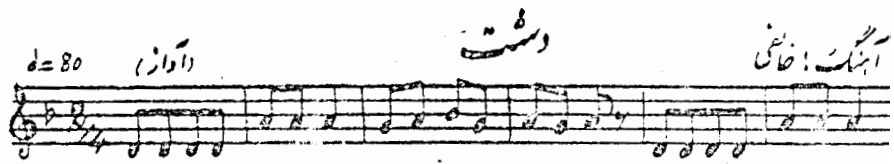
تازه شود جان زنسیم بهار

چونکه شوی خسته و نالان ز کار

رو بسوی دشت و گلستان بیار

(گل‌گلاب)





امیر اسماعیل سامانی

یکی از پادشاهان معروف ایران امیر اسمعیل سامانی است.

امیر اسمعیل برای اینکه بروست کشور خود بيفزايد با پادشاه سيستان جنگيد و او را اسير كرد. پادشاه سيستان كليد گنجهای خود را نزد امير اسماعیل فرستاد که شاید او را از زندان آزاد کند. امیر اسمعیل گفت: پادشاه سيستان پيش از پادشاه شدن سرمايه يی نداشته و پس از آنکه پيادشاهی رسيد بجای انصاف ظلم و ستم پيش گرفت و اين گنجها را فراهم آورد. اين گنجها همه مال مردم است و من آنها را نمی پذيرم.

پرسش - امیر اسماعیل سامانی که بود ؟ - امیر اسمعیل چرا با پادشاه سيستان جنگ کرد ؟ - پس از اسير شدن چرا پادشاه سيستان كليد گنجهای خود را نزد امير اسمعیل فرستاد ؟ - امیر اسمعیل باو چه گفت ؟ - پادشاه سيستان بمردم چه ستمی کرده بود ؟ - امیر اسمعیل چرا گنجهای او را قبول نکرد ؟



خود را گم نکنید

ماهر و هوشنگ و فرامرز با هم در
 اطاق نزدیک بخاری بازی میکردند بخاری با
 هیزم می سوخت و شعله آتش بهوا بلند بود
 ماهر و خیلی نزدیک آتش رفت و رختش آتش
 گرفت هوشنگ از ترس فریادی زد و از اطاق
 بیرون دوید اما فرامرز دست و پای خود را
 گم نکرد و فوراً رومیزی را برداشت و خواهرش

رامحکم در آن پیچید آتش چون هوا بآن نرسید
خاموش شد و ماهر و از سوختن نجات یافت .

- ۱- پرسش - چه طور شد لباس ماهر و آتش گرفت ؟ - چرا هوشنگ از اطاق بیرون دوید ؟ - فرامرز چه کرد ؟ - نتیجه کار فرامرز چه بود ؟
- ۲- تجربه کنید - کاسه یی را روی مقداری آتش سرخ سرنگون کنید و بعد از چند دقیقه بردارید و آتش را ببینید چه شده است ؟
- ۳- در روی شکل صفحه پیش هر چه می بینید بگویید .
- ۴- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

چون هوا با آتش نرسد خاموش میشود

نقاشی - از روی این شکلها بکشید - ازدست راست شروع کنید .



حاضر جوابی

آقای پیشخدمتی داشت که خیلی تنبل بود روزی باو گفت : یوسف کفشهای مرا بیاور یوسف کفشها را آورد اما کثیف و وا کس نخورده بود .

آقا گفت : امروز فراموش کرده یی کفشها را پاک بکنی .

آقا امروز خیابانها پر از گل است و تا بیرون رفتید کفشهای شما دوباره کثیف میشود آقا خندید و هیچ نگفت اما هنگامی که از در خارج میشد یوسف گفت :

— آقا ، آقا کلید

— کلید میخواهی ؟

— بلی کلید گنجی برای صبحانه خوردن .

— برای صبحانه خوردن ؟ می خواهی

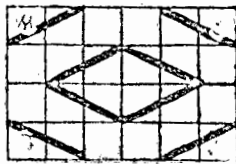
چه کنی دو ساعت بعد گر سنه می شوی.

پرسش - پیشخدمت چرا کفشهای آقا را وا کس نزده بود - برای پاک نکردن کفشها چه بهانه و عذر آورد؟ - آقا چه طور او را تنبیه کرد؟ - نتیجه این حکایت چیست؟

تنبلی چگونه صفتی است؟ - چرا؟ - چه کسی را تنبل میگویند؟ - آیا خوبست دانش آموز تنبل باشد؟ - چرا؟ - دانش آموزی را که تنبل است چه طور جریمه میکنند؟ - دانش آموزی را که ساعی است چگونه تشویق میکنند؟

حاضر جوابی یعنی چه؟ - آقا حاضر جواب بود یا پیشخدمت یا هر دو؟

رسم - مطابق این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید:



عید نوروز

عید نوروز و اول سال است

روز غیش و نشاط اطفال است

همه امروز رخت نو پوشند

چای و شربت بخوشد لی نوشند

پسر خوب روز عید اندر
رود اول بخدمت مادر

دست بر گردش کند چون طوق
سر و دستش بیوسد از سر شوق

گوید این عید تو مبارك باد
صد چنین سال نو بینی شاد

بعد آید بدست بوس پدر
بوسه بخشد پدر بروی پسر

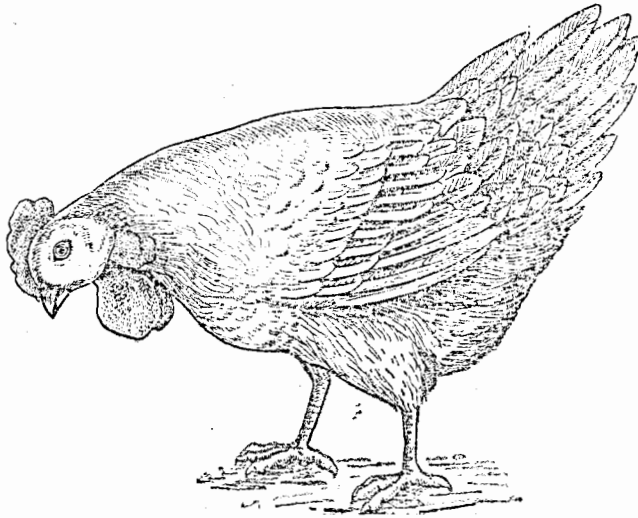
پسر بد چو روز عید شود
موقع دید و بازدید شود

نه پدر دوست داردش نه عمو
نه کسی عیدی آورد بر او

عیدی آن روز حق آن پسر است
که نجیب و شریف و باهمنر است

ایرج

عیدی آن روز حق آن پسر است
که نجیب و شریف و باهمنر است



پرنده های خانگی

مرغ خانگی - مرغ خانگی را که از نزدیک نگاه کنیم می بینیم بدنش را پرهای نرم و کوتاه گرفته اما پرهای بال و دمش قدری بلندتر است سرش نسبت به بدنش کوچک است و روی آن را پوستی قرمز رنگ مانند تاج گرفته است نوک مرغ کوتاه و سخت است و مرغ با آن از روی زمین دانه برمی چیند مرغ دندان ندارد و دانه هارا درست فرو میبرد مرغ دویا

دارد هر پای آن چهار انگشت دارد سه انگشت
در جلو و یکی در عقب مرغ با انگشتها یا
پنجه خود میتواند خوب روی چوب و ریسمان
باریک بنشیند و چوب یا ریسمان را در میان
انگشتانش محکم نگاه بدارد .

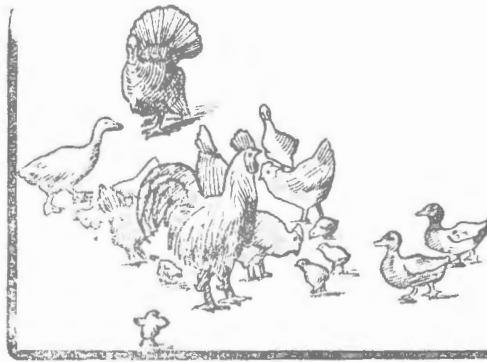


مرغ و خروس - در خانه ها مرغ و خروس
در نهایت دوستی با هم زندگی می کنند هر چه
صاحب خانه بآنها بدهد با هم میخورند و
خودشان هم از روی زمین دانه ها و کرمها و
حشرات را جمع می کنند و می خورند خروس
هر کجا چیز خوردنی پیدا کند همانجا می ایستد
و بنای قدقد می گذارد و باین ترتیب مرغها را
صدا می زند مرغها بصدای او میدوند و همه
از آن خوردنی می خورند و خروس همچنان
می ایستد و تماشا می کند هر وقت دشمنی از
از قیل سگ یا گربه یا مرغ شکاری پیدا شود

خروس بنای فریاد می گذارد و مرغهارا خبردار می کند که فرار بکنند یا در مرغدان پنهان بشوند
تخم گذاشتن مرغ - مرغ در سالی چند ماه تخم می گذارد و بیشتر روزی يك تخم می کند
 يك مرغ خوب و خوش جنس در مدت سال صد تا صد و پنجاه تخم میدهد .



جوجه آوردن - مرغ در فصل بهار میل می کند که جوجه بیاورد و بقول خانه داران گُرگ میشود در این وقت ده پانزده تخم تازه بی عیب در لانه مرغ میگذارند و مرغ سه هفته روی آنها میخوابد و آنها را بگرمی بدنش گرم نگاه میدارد پس از سه هفته جوجه ها تخمها را می شکنند و بیرون می آیند مرغ از جوجه های خود تازمانی که بزرگ نشده اند با کمال محبت و مهربانی پرستاری و مراقبت می کند .



سایر پرندگان خانگی - روستاییان در منزل‌های
 خود گذشته از مرغ و خروس مرغابی و غاز
 و بوقلمون هم نگاه می‌دارند.
 اردک پاهای کوتاه دارد و سنگین راه می‌رود
 پنجه‌اردک بوسیله پرده‌یی سرخ‌رنگ بهم‌چسبیده
 و شبیه پیارو است و با این پنجه‌است که اردک
 میتواند در آب شنا بکند مرغابی نوک پهن دارد
 و با آن کرم‌ها و جانوران کوچک آبی را از لای
 لجن بیرون می‌آورد و می‌خورد.
 غاز در هر چیز شبیه بمرغابی است اما از
 مرغابی بزرگتر است .

بوقلمون پروبال سیاه رنگ و گوشت
لذیذ دارد بوقلمون میتواند پرهای دم خود را
مانند چتر از هم باز بکند.

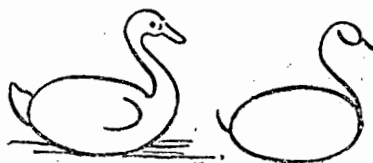
۱- پرسش - نوك مرغ چه شكل دارد ؟ - آيا نوك مرغ سفت است يا نرم ؟ - آيا تمام پر های مرغ مثل هم است ؟ - پای مرغ چند انگشت دارد ؟ - انگشتهايش بچه طریق قرار گرفته است ؟ - بچه جهت مرغ میتواند روی چوب یا ريسمان باريك بنشیند ؟ - مرغ و خروس چه میخورند ؟ - مرغ چند وقت تخم میدهد ؟ - مرغ که كرك میشود چه می کند ؟ - روستایان چه نوع پرندگانرا در خانه های خود نگاه میدارند ؟ - پای مرغابی و غاز چه شكل است و فایده اش چیست ؟ - مرغ و مرغابی را بادقت نگاه کنید و صفاتی را که در درس گفته شده در آنها پیدا کنید .

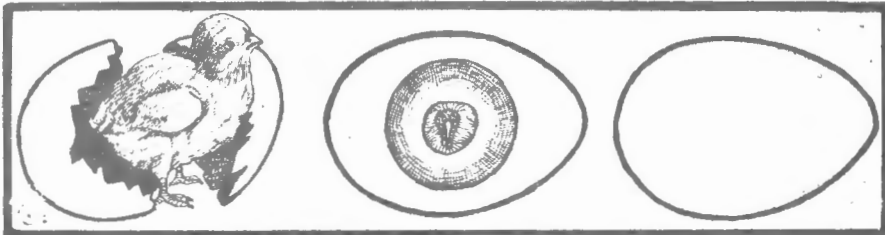
۲- پرسش کتبی - از يك مرغ چه فایده هایی میتوان بدست آورد ؟ - مرغ و خروس را خوب بدقت نگاه کنید و فرق میان آنها را (از حیث سر و دم و پا و پر و رنگ) بنویسید .

۳- تکلیف - از روی این سر مشق چند بار بنویسید :

مرغ از جوجه های خود با کمال محبت و مهربانی پرستاری می کند

نقاشی از روی این شکلهای بکشید :





تخم مرغ

اسباب کار: تخم مرغ - تخم مرغ خام تازه و کهنه - تخم مرغ بخته و سفت - نعلبکی - چاقو - قاشق .

پرسش پیش از درس - تخم مرغ که دیده است ؟ - آیا تخم سایر پرندگان را هم دیده اید ؟ - فرق آنها با تخم مرغ در شکل و رنگ و اندازه چیست ؟ - آیا تخم مرغ را دوست می دارید ؟ - بچه طریق دوست می دارید آنرا بخورید ؟

تخم مرغ گرد و دراز است و دوسرش قدری باریک است آن سر را که باریکیش بیشتر است سر تخم مرغ و آن سر را که قدری پهن است ته تخم مرغ می نامند پوست تخم مرغ نازک و زود شکن است و با دست زود خرد میشود رنگ آن سفید یکدست یا سفید مایل بزردی است .

سفیده و زرده - در داخل پوست تخم

سفیده و زرده قرار دارد سفیده مایعی غلیظ و چسبناك و بیرنگك است زرده كه رنگش زرد است در وسط سفیده است و روی آن لكه سفید كوچكی است كه آنرا نطفه می گویند و جوجه از نطفه بعمل می آید و قتیكه مرغ روی تخم میخوابد پس از سه هفته جوجه از تخم بیرون میآید .

تخم سفت - تخم را اگر ده دقیقه در آب بجوشانیم خوب میپزد و اگر پوست آنرا برداریم سفیده اش را می بینیم كه سفت و واقعاً سفید شده است و اگر سفیده را باچاقو از وسط ببریم زرده را در وسط آن گرد و مانند گلوله می بینیم .

غذای تخم مرغ - تخم مرغ غذایی مقوی و مفید است و آنرا بچندین شكل میپزند آسانتر از همه آب پز كردن است كه تخم را

ده دقیقه در آب بجوشانند تا سفت بشود و اگر کمتر بجوشانند نیم بند میشود تخم مرغ را اگر در روغن داغ بشکنند و اندکی بپزند نیمرو می شود و اگر سفیده و زرده را بهم بزنند و آنگاه در روغن داغ بریزند و بپزند خاگینه می شود .

۱ - پرسش - شکل تخم مرغ را بکشید - آیا دو سرش مثل هم است ؟ - قسمتهای مختلف تخم را از طرف بیرون بترتیب بشمرید - سفیده تخم چه رنگ است ؟ - زرده چه طور ؟ - سفیده چه وقت واقعاً سفید می شود ؟ - سفیده نپخته را باقاشق می توان برداشت ؟ - سفیده تخم آبکی است یا غلیظ ؟ - نطفه چیست و در کجای تخم مرغ است ؟ - از تخم مرغ چه غذاها درست میکنند ؟

تجربه کنید :

(۱) يك تخم تازه و يك تخم كهنه را از آن سری كه پهن است بشکنید و ببینید با هم چه فرقی دارند ؟

(۲) يك تخم تازه و يك تخم كهنه را در آب بیندازید ببینید کدام بته ظرف می رود - از این کار چه نتیجه میگیرید ؟

(۳) يك تخم كهنه را از آن سری كه پهن است بشکنید قدری از پوست سخت رو را با احتیاط بردارید و سرازیر کنید چرا سفیده و زرده بیرون نمیریزد ؟

۳- املأ - لغات زیر را چند بار بنویسید و املاي آنها را یاد بگیرید:

سفید یکدست - سفیده وزرده - مایع غلیظ - چغندر (همیشه سرهم) -

نطفه - واقماً (واقعن تلفظ کنید) - مقوی (قوی- قوت- قوه)
 ۴- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

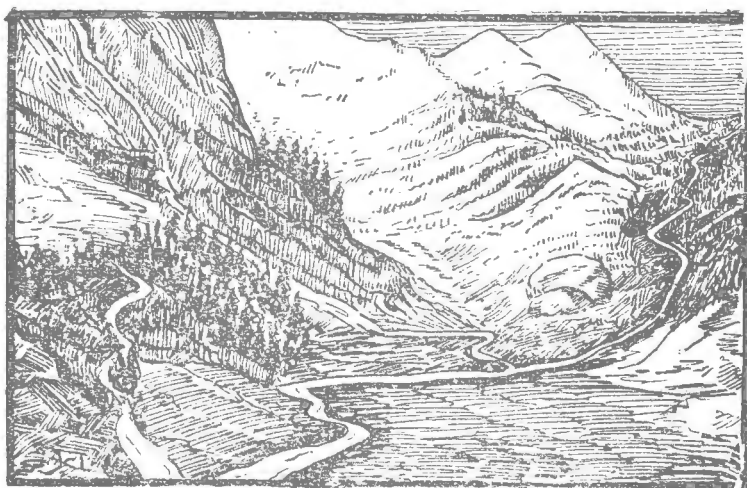
تخم مرغ غذای مقوی و مفید است

نقاشی - از روی این شکلها بکشید:



کوه و تپه

در خشکی بلندیهای خاکی و سنگی
 بسیار دیده می شود این بلندیها را اگر
 كوچك باشد تپه و اگر بزرگ باشد كوه
 مینامند كوههای بلند در تمام سال حتی در
 تابستان پراز برف است این برف درپایین و



زمستان میبارد و در بهار و تابستان بیشترش
آب می شود و بشکل چشمه و جوی و نهر
از کوهها سرازیر میشود و بجلگه ها میرود
قسمتی از آب کوهها هم بزمین فرو میرود و
مردم آنها را با کندن قنات بزمینهای زراعتی
یا بشهر می آورند و بمصرف زراعت و یا
ریخت و پاش می ربانند .

هوادر کوهستانها بسیار لطیف و تنفس
آن مایه تندرستی و نشاط است .
در زمین کوه آتش فشان هم هست

و کوه دماوند یکی از آنها است اما خاموش
است کوه آتش فشان از دور بشکل کله
قند دیده میشود اگر



خاموش نباشد از
دهانه آن آتش و
دود و خاکستر
بیرون می آید مواد
آتش فشانی چندین
متر در هوا جستن
می کند و باطراف
کوه میریزد و بدین
سبب زندگی در

اطراف کوه آتش فشان خطرناک است .

۱ - پرسش - کوه کدام است و تپه کدام؟ - در سر کوههای بلند چه
می بینید؟ - برفی که در کوهستان می بارد چه میشود؟ - هوای کوهستان چگونه
است؟ - کوه آتش فشان چیست؟ - چرا زندگی در اطراف کوه آتش فشان

خطرناك است ؟

در نزدیکی شهر یا ده شما کوه هست ؟ - نامش چیست ؟ - در کدام سمت قرار دارد ؟ - چندجوی و قنات از آن جاری است و آبش بچه مصرف میرسد ؟
 ۳ - گردش علمی - مشاهده کوه و تپه از دور یا نزدیک (تصویرها و شکلهای مربوط بکوهستانها و کوهها و تپه های خشك و سبز و دره های بأصفا نشان داده شود و از هر قسمت آن سؤالات مناسب طرح شود .)
 در حیات دبستان با خاک یا گل کوه کوچکی درست کنید و در روی آن دره ها را نمایش دهید .

۴ - تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

هوادر کوستانها بسیار لطیف و نفیس آن مایه تندرستی و نشاط است

باد

قبلا مشاهده کنید : دود در هوای آرام چگونه بلند می شود و در باد چگونه ؟ - شاخ و برگ درختان در چگونه هوا حرکت میکنند ؟ - از باغها و جنگلها در وقتی که باد میوزد چگونه صدا و در هوای آرام چگونه صدا می شنوید ؟ - بارچه بر چه در هوای آرام چه حالت دارد و در باد چه حالت ؟

روز بادی - چند روز پیش هنگامی که از

دبستان بخانه بر می گشتیم باد سختی بنای

وزیدن گذاشت گرد و خاک هوا را چنان تاریك

کرد که یکدیگر را درست نمیدیدیم

شاخ و برگهای درختها بشدت حرکت می کرد
 در و پنجره های خانه ها و مغازه ها سخت بهم
 میخورد و گاهی هم صدای شکستن و خرد شدن
 شیشه ها بگوش میرسید راهگذرها دودستی
 بکلاه خود چسبیده بودند که باد آنها را برد باوجود
 این چندین کلاه را باد برد و صاحبان آنها دنبال
 آنها میدویدند روز بعد شنیدیم که در پیرون شهر
 باد بعضی درختها را از ریشه کنده و چندین
 شیروانی را هم از جا بلند کرده است.

خوشبختانه باد همیشه باین تندی نمی وزد
 وقتی که باد ملایم میوزد هوا خنک میشود
 بادی که از روی دریا می آید ابر میآورد و ابر هم
 باران می آورد روز بادی رختهای شسته زودتر
 خشک می شود آسیاها و کشتیهای بادی را باد
 بحرکت می آورد.

باد چیست؟ - باد از حرکت هوا پیدا می شود

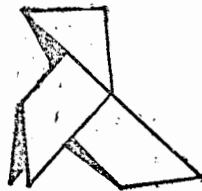
و هر قدر این حرکت تند تر باشد باد هم سخت تر است پس باد هوای متحرك يا جريان هوا است .

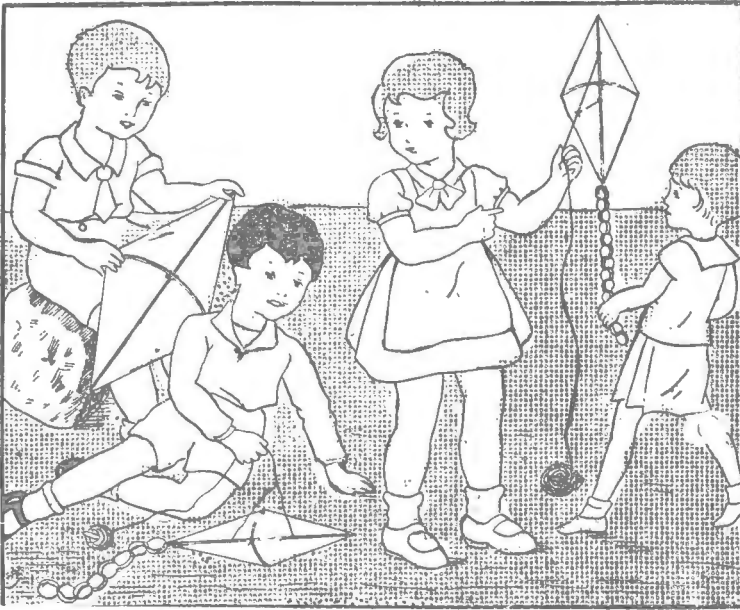
جریان دادن هوا — ما هم میتوانیم هوا را جریان بدهیم تا باد پیدا شود و قتی که بشعله چراغ فوت می کنیم بزور نفس ما هوا بحرکت می آید و بادی که از آن پیدا می شود شعله را خاموش می کند با باد بزن و کتابچه و مانند آن هوا را بجریان می آوریم و خود را باد میزنیم اگر در های اطاق را که رو بروی هم است باز کنیم باد از يك طرف می آید و از طرف دیگر میرود و میگوییم در اطاق جریان هوا پیدا شده است جریان هوا کاغذهای مارا باین طرف و آن طرف میرد و اگر بشمع روشنی برسد شعله شمع خم میشود و گاهی هم خاموش می شود از خم شدن شعله میتوان فهمید که باد از کدام سمت می آید .

- ۱ - پرسشی موقعی که باد می وزد چه میشنوید ؟ - چه می بینید ؟ -
 دود از بخاری بلند شده است و در هوا بطرف جنوب می رود بگویند باد از کدام
 طرف می آید ؟ - دود بطرف شمال می رود باد از کدام سمت می آید ؟ - دود
 بطرف خاور می رود باد از کدام طرف میوزد ؟ - اگر باد از سمت خاور بیاید دود
 بکدام طرف می رود ؟ - باد چیست ؟ - آیا میتوانید هوا را بجریان ببندازید ؟ -
 چه طور ؟ - باد بزن چیست ؟ - باد بادک چرا بهوا می رود ؟
 چرا موقع زنگ تفریح درها و پنجره های کلاس را باز می کنید ؟ - باد
 چه فواید و چه ضررها دارد ؟ .
 ۲ - تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

باد از حرکت هوا پیدا میشود و هر قدر این حرکت تندتر باشد باد سخت تر است

نقاشی - از روی این شکل با ستاره بکشید :





بھواکردن باد بادك

پیشتر اسمی باین بچه ها بدهیم مثلاً از سمت چپ بگوئیم
هرمز - بیژن - ماهر - مینو .

- خوب باین شکل نگاه کنید و جواب هر يك از سؤالات مرا بدهید:
- ۱ - کدام يك از این بچه ها میخواهد باد بادك را بھواکند؟ (جای
اورا در روی شکل معین کنید مثلاً بگوئید دست راست دست چپ)
 - ۲ - دختری که پیش بند بسته است نامش چیست و چه میکند؟
 - ۳ - آیا همه بچه ها ایستاده اند؟

باد بادك درست كنيد

نخست كاغذ زرورقي را بشكل چهار گوش مي بريم از دو جگن هم كه حاضر داريم يكي را روي قطر مربع ميگذاريم و با نوار كاغذي چسب دار بروي كاغذ زرورق مي چسبانيم و ديگري را كه قدری بلندتر است چنان قرار مي دهيم كه دو سرش بر گوشه های چپ و راست چهار گوش باشد و با كاغذ مي چسبانيم آنگاه محل برخورد دو جگن را با نخي كه يك سرش بر وسط جگن اول بسته است مي بنديم و از ميان آنرا گره ميزنيم و دنباله بلندی هم بآن مي بنديم آخر كار نخي بآن مي بنديم و موقعی كه باد ملایم می وزد بادبادك را هوا میكنيم .

۱ - پرسشی - شما باد بادك خودتان را چگونه درست کرده اید ؟ -
لوازم آنرا از كجا خریدید ؟ - برای هر يك چه قدر پول دادید ؟ - روی

هم رفته باد بادك شما چند تمام شد ؟ - باچه چیز ها باد بادك را درست كنیم كه خیلی ارزان تمام شود ؟ - با چه چیز ها بسازیم كه با دوام و محكم باشد ؟ - شكل باد بادك خود را روی تخته سیاه و یا روی كاغذ بكشید ؟ - حالا هم باد بادك بازی میکنید یا نه ؟ - چرا ؟ - چه بازیهای دیگر میدانید ؟ - طرز ساختن باد بادك را بگویید

۲- حکایتی كوچك در باب شكل صفحه ۱۳۴ بترتیب زیر بنویسید :

الف - در چه موقع سال است ؟

ب - هوا آرام است یا باد میاید ؟

ج - عده بچه ها چند تا است (چند پسر و چند دختر) ؟

د - كار هر يك کدام است ؟

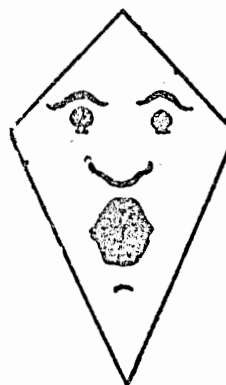
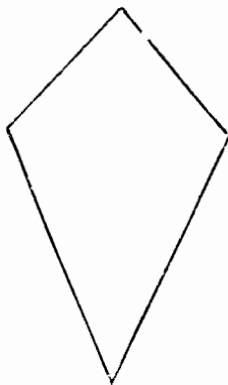
۳- تکلیف - از روی این سرمشق چندبار بنویسید :

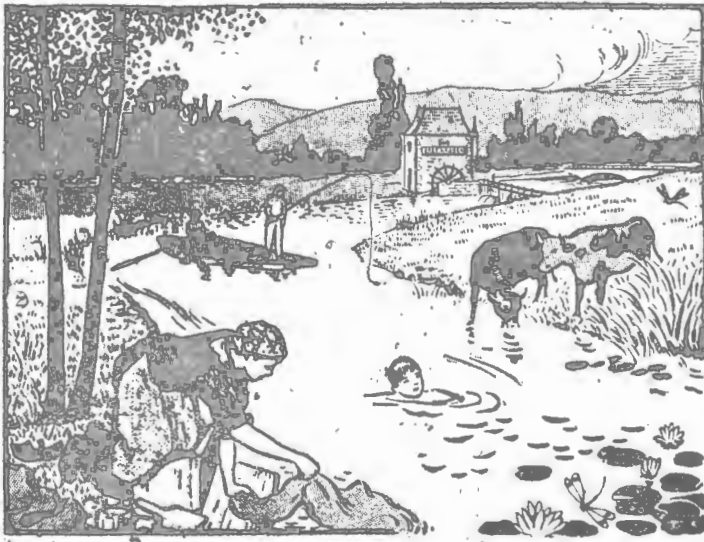
موقعی كه باد ملایم میوزد باد بادك را هوا می كنیم



كار دستی و نقاشی - اگر باد بادك را مانند شكل دست چپ درست كنید

احتیاج بدنباله ندارد . ۲- از روی شكل دست راست روی باد بادك خود بكشید .





جوی و رود خانه و چشمه آبهای شیرین

آب سر چشمه زندگی است حیوان و
انسان بآب زنده اند و اگر آب نباشد از
تشنگی میمیرند درخت و گیاه هم بی آب
نمی روید .

مدد آب از برف و باران است و اگر
بارندگی نشود آب چشمه ها و جویها و
رود خانه ها و کاریز ها خشک میشود .

برف و باران در کوهستانها فراوان
 میآرد و آب آن يك قسمتش بزمین فرو میرود
 و يك قسمتش روی زمین روان می شود
 آب که فرو میرود در زیر زمین جمع میشود
 بعد از بعضی جاها بشکل چشمه بیرون میآید
 در بعضی جاها هم چاه و کاریز میکنند تا
 بآن آب برسند آبی که بزمین فرو نمیرود بشکل
 جویهای متعدد از کوهها سرازیر و بر زمین
 جاری میشود جویها رفته رفته بهم میرسند و از
 پیوستن آنها رودخانه درست می شود آب
 رودخانه در کوهها تند حرکت میکند و سنگهای
 بزرگ را از جا می کند و با خود بطرف
 زمینهای صاف یا جلگه میبرد و همینکه بجلگه
 رسید آرام حرکت میکند .

مردمان جلگه نشین در کناره های
 رودخانه سبزه زارها و درختان بسیار

بعمل می آورند و آب رود خانه را برای آبیاری کشتزارها بجای های دور میبرند .

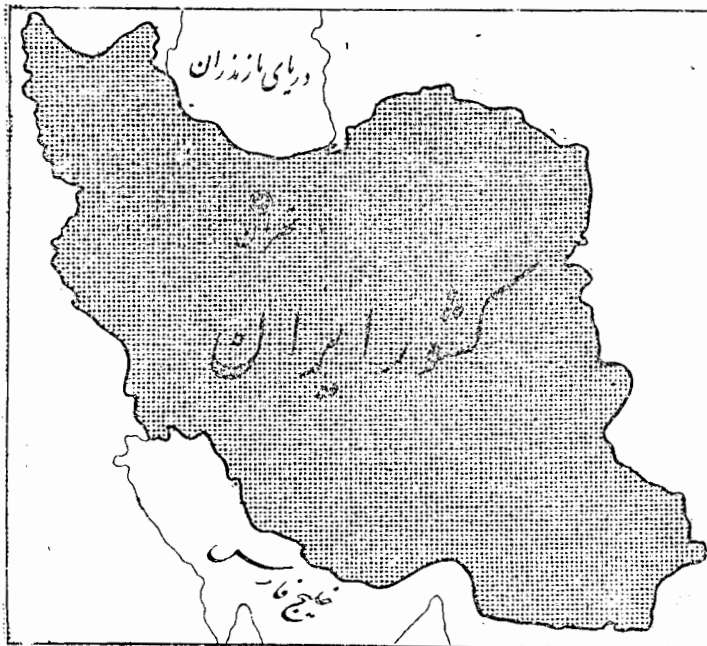
- ۱- پرسشی آب برای چه لازم است ؟ - جریان آب در کوهها چگونه است ؟ - جوی در کوهستان چگونه تشکیل میشود ؟ - میدانید رودخانه چگونه تشکیل می شود ؟ - مردم جلگه از رودخانه چه فایده های میبرند ؟ - آب خوردنیشان را از کجا بر میدارند ؟
- چرا آب رودخانه در کوه تند حرکت میکند ؟ - از جانور و گیاه و سنگ کدام یک برای زندگی آب لازم دارد ؟
- ۲- گردش علمی - ملاحظه جویها و قناتها و چاههای آب و رودخانه های محلی - ملاحظه استخر ها و برکه ها و استفاده هایی که از آنها میشود .
- ۳- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

جویها رفته رفته بهم می رسند و از پیوستن آنها رودخانه درست میشود



نقاشی - از روی این شکل بکشید :





کشور ایران

کشور ما ایران جلگه ها و صحراها
و کوهستانها و شهر ها و دهکده های آباد و
پر جمعیت دارد مردمی که در این شهر ها و
دهکده ها زندگی میکنند مانند ما ایرانیند
ایران خانه بزرگ و وطن همه ما است .
ما همچنانکه شهر یا دهکده خود را

دوست داریم ایران را هم دوست داریم پدران
ما هم ایران را دوست میداشتند و در آبادی آن
زحمت بسیار کشیده اند و شهر و دهکده ها
که ما با سودگی در آنها زندگی می کنیم
ساختم آنها است ده نشینان ایران همه کار
می کنند و مانند پدران خود در آبادی کشور
میکوشند گروهی زمین را زراعت میکنند یکی
گندم و جو میکارد دیگری برنج تهیه می کند
گروه دیگر گاو و گوسفند پرورش می دهند
زنان ده نشین از شیر گاو و گوسفند ماست و
پنیر و کره و روغن درست میکنند و مردانشان
آنها را بشهر میبرند و میفروشند و در عوض
پارچه و کفش و کلاه و قند و چای و چیزهای
لازم دیگر میخرند.

پرسش شما در کدام شهر یا دهکده زندگی می کنید؟ - آیا شهر یا
دهکده خود را دوست میدارید؟ چرا؟ - خانه بزرگ یا میهن ما کجاست؟ - پدران

ما برای آبادی ایران چه کار کرده‌اند؟ - ده نشینان ایران چه می‌کنند؟ - مردمان شهر چه میکنند؟ - پارچه را از کی می‌خرند؟ - قند و چای را از کی می‌خرند؟ - آیا يك نفر میتواند همه نیازمندیهای خود را (از كفش و كلاه و لباس و خوراك و منزل) تهیه کند؟ (۱)

۲ - اءلا - این كلمات را چند بار بنویسید و املاى آنها را یاد بگیرید:
همچنانكه (سرهم) - آسوده (آسودگى) - زنده (زندگى) - همه (همگى)
۳ - تكلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید:

کشور ما ایران جلگه ها و صحراها و کوهستانها و شهرهای پر جمعیت دارد



نقشه کشی - نقشه کشور ایران را مطابق نقشه صفحه ۱۴۰ بکشید

۱ - دریای مازندران و خلیج فارس را آبی رنگ بزنید .

۲ - کشور ایران را با رنگ زرد

۳ - قسمت‌های دیگر را با قرمز رنگ آمیزی کنید .



شهرهای ایران

در نقشه بالا نام شهرهای ایران نوشته شده است. طهران بزرگترین شهرها و مشهد و تبریز و اصفهان و کرمان و شیراز از شهرهای بزرگ ایرانند.

در مشهد و تبریز میوه فراوان حاصل میآید.

و سیب و هلو و بادام و انگور آنجا بخوبی معروف است در اصفهان کارخانه های بزرگ پارچه بافی هست و در آنجا پارچه های لباس و پرده های قلمکار میافند در کرمان قالیه های خوب می بافند و از آن شهر زیره و حنا بشهر های دیگر می برند هوای شیراز بسیار لطیف است این شهر باغهای با صفا و گردشگاههای بسیار دارد .

در نقشه نام شهر های دیگر هم نوشته شده است مانند همدان و کرمانشاه و قزوین و رشت و قم و کاشان و یزد و غیره زمستان همدان بسیار سرد است اما در بهار تمام اطراف شهر سبز و خرم است در همدان چرم خوب و محکم درست می کنند روغن کرمانشاه بخوبی و فراوانی معروف است در این شهر کارخانه نفت هم هست قزوین انگور بسیار

خوب دارد در این شهر از چوب قاشق و دسته
 کارد و چیز های دیگر میسازند در رشت
 بارندگی بسیار میشود از این شهر برنج و ماهی
 فراوان بسایر شهر ها می برند هوای قم و
 کاشان و یزد در تابستان بسیار گرم است
 در قم انار خوب بعمل میآید در کاشان و یزد
 قالیه‌ای ابریشمی بسیار عالی می بافند .

۱- پرسش - بنقشه صفحه ۱۴۳ توجه کنید و بگویید:
 شهر مشهد در کدام طرف ایران است ؟ - شهر کرمان در کدام طرف
 است ؟ (بهمین نحو از سایر شهرهای مهم سؤال شود) .
 تبریز در شمال ایران قرار دارد دیگر چه شهرها در شمال ایران قرار
 دارد ؟ - اصفهان در مرکز ایران قرار دارد ؟ - دیگر چه شهرها در مرکز
 ایران قرار دارد ؟ (بهمین نحو راجع بسایر شهرها پرسش شود) - از رشت چه
 چیز های خوردنی بسایر شهرها میبرند ؟ - در قم کدام میوه بهتر بعمل میآید ؟ -
 در شهر شما چه میوه‌ها بعمل میآید ؟

۲- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

تهران بزرگترین شهر است و مشهد و تبریز و اصفهان و کرمان و شیراز از شهرهای
 بزرگ ایرانند



شهر طهران

طهران در شمال ایران است کوه البرز
 در شمال شهر طهران قرار دارد این کوه در
 سراسر زمستان پر از برف است و در بهار و
 تابستان دامنه‌اش سبز و خرم است و جویبارها
 و رودخانه‌های بسیار از آن بطرف طهران
 جاری است هوای طهران در تابستان گرم
 میشود و مردم برای هواخوری و گردش ییاعهای

باصفا و دهکده‌های زیبای دامنه البرز میروند .
 طهران پایتخت ایران است (۱) این شهر
 میدانها و خیابانهای بزرگ و خانه ها و مغازه
 های زیبا دارد یکی از میدانهای این شهر میدان
 سپه است میدان سپه در وسط شهر است
 از این میدان شش خیابان بزرگ باطراف
 کشیده اند دو خیابان بطرف شمال دو خیابان
 بطرف جنوب و یکی بطرف خاور و یکی
 بطرف باختر شهر می رود هنرستان دختران و
 بانگ ملی و موزه ایران باستان و مدرسه
 سپهسالار و مجلس شورای ملی و عمارت
 شهرداری و کاخ گلستان و ایستگاه راه آهن و
 کاخ دادگستری از ساختمانهای بزرگ و عالی
 طهران است .

در این شهر برای پارچه بافی و شیشه سازی
 و بعمل آوردن چرم و سیمان کارخانه های بزرگ

(۱) در باره پایتخت توضیحات ساده در خور فهم دانش آموزان
 داده شود از این قبیل که پادشاه و وزیران در پایتخت هستند و مانند آن .

برپا کرده‌اند .

در دهکده های جنوبی این شهر گندم و
جو و میوه و سبزی فراوان بدست می آید .

پرسش - بنقشه ایران نگاه کنید و بگویید : شهر شما در کدام طرف ایران قرار دارد ؟ - آیا در اطراف آن کوه هست ؟ - در کدام سمت ؟ - آیا در نزدیکی آن رودخانه هست ؟ - در کدام سمت ؟ - آیا زمستان شهر شما خیلی سرد است ؟ - در گرمای تابستان مردم چه میکنند ؟ - بناهای بزرگ شهر خود را نام ببرید - در شهر یا دهکده شما چه چیزها میکارند ؟ - در آنجا چه میوه ها بعمل میآید ؟ در شهر یا دهکده شما چه چیز ها میسازند ؟ (۱)

(۱) تذکر - این درس بعنوان نمونه جغرافیای محلی نوشته شده و مقصود از جغرافیای محلی آنست که خصوصیات طبیعی و اجتماعی و اقتصادی محل یکجا گفته شود بنا بر این آموزگار در هر شهر یا دهستان که هست خصوصیات آن شهر یا ده را مطابق نمونه بی که در این درس بدست داده شده برای دانش آموزان تعریف کند مثلاً بعضی از شهر های ایران مانند اصفهان و اهواز رودخانه های پر آب و بعضی مانند همدان و کرمانشاهان و مهاباد و تبریز رودخانه های سیلابی دارد و آموزگار باید نام رودخانه و اوصاف و منافع و فواید آنرا مطابق فهم و استعداد کودکان بیان کند و همچنین درباره هوای شهر و اختلاف تابستان و زمستان آن و چگونگی ریزش باران توضیح کافی بدهد چنانکه نواحی کنار دریای خزر از حیث بارندگی و اعتدال هوا بایزد و کاشان و کرمان تفاوت بسیار دارد و آموزگار در هر يك از این شهرها که باشد باید تفاوت هوای آنرا با شهرهای دیگر شرح دهد در توصیف شهرها از صنایع و کارخانه ها و در تعریف دهستانها از کشت و زرع و دامپروری و نوع محصول بیشتر گفتگو کند .

نامها و اصطلاحات جغرافیایی را بطوری که در محاوره مردم معمول است ذکر کند نه بطوری که در کتاب می نویسند : مثلاً در تبریز تپه های عینل زینل را بهمین صورت تلفظ کند و عون بن علی و زین بن علی نگوید

هوش پادشاه

کریم خان زند از پادشاهان با انصاف
ایران و بسیار باهوش و زیرک بوده است روزی
کسی نزد او آمد و گفت من کور بودم و بیگور
پدر تو پناه بردم و دعا کردم خدا بآبروی پدر
تو مرا بینا کرد کریم خان گفت پدر من مردی
راهزن بود و تو برای خوش آمد من برای او
معجزه میتراشی بر من واجب است تو را تنبیه
کنم تا دیگر دروغ و تملق نگویی.

۱- پرسش - کریم خان زند چگونه پادشاهی بوده است ؟ - شخصی
که نزد او آمد چه گفت ؟ - کریم خان چه جواب داد ؟ - کریم خان چرا گفت :
« بر من واجب است ترا تنبیه کنم ؟ »

راهزن یعنی چه ؟ - دروغ گفتن چیست ؟ - تملق گفتن چیست ؟ - آدم بیچه
کسی تملق میگوید ؟ - آیا تملق گفتن خوبست ؟

۲- املا - این لغات را چند بار بنویسید و املاي آنها را یاد بگیرید:
باهوش - معجزه - تنبیه - دروغ - دروغگو - تملق

۳- تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

کریم خان زند از پادشاهان با انصاف ایران بوده است



پشم چینی

بیشتر لباسهای پشمی از پشم گوسفند است. پشم گوسفند را در اواخر بهار هنگامی که هوا رو بگرمی است می‌چینند.

شبانان گوسفندان خود را بکنار نهر آبی میرند و تن آنها را در آب می‌شویند و با شانه مخصوص پشمشان را شانه می‌زنند و آنها را در آفتاب رها میکنند تا نشان خشك بشود. گوسفندان را پس از خشك شدن

يك يك مي آورند و روی گلیم یا میزی
 میخوابانند و دست و پایشان را محکم
 نگاه میدارند تا حرکت نکنند و باقیچی بزرگ
 پشمهایشان را از یخ می چینند و آنگاه آنها را
 رها می کنند حیوان نخست احساس سبکی و
 خنکی می کند و اندکی میلرزد اما پس از
 اندکی حرکت خود را سبك می بیند و بنای
 جست و خیز می گذارد و رفته رفته گرم
 می شود .

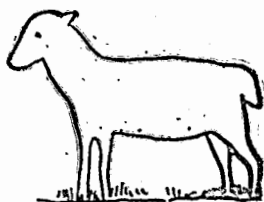
پس از تمام شدن کار پشم چینی
 پشمها را رسیدگی می کنند و خوب و بد آنها
 از هم جدا می کنند و هر دو قسم را در آب و
 صابون میجوشانند تا چربی و چرکش بخوبی
 گرفته شود بعد آنها را در هوا خشك می کنند
 و بار دیگر با شانه های آهنین شانه می زنند
 تا رشته های پشم از یکدیگر جدا شود پشم

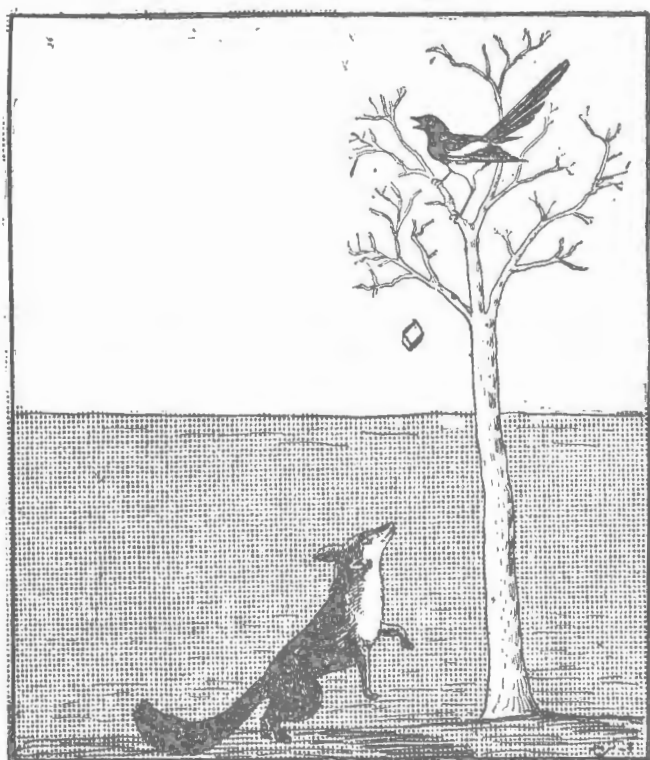
در این وقت مانند ابریشم نرم و سبک و برای
رشتن آماده است از رشتن پشم نخ پشمی
بدست می آید و از آن پارچه های پشمین
می بافند .

- ۱- پرسش - پشم گوسفندان را چه موقع می چینند ؟ - طرز چیدن پشم چیست ؟ - چرا گوسفند ها را پیش از پشم چینی می شویند ؟ - پشم را بعد از چیدن چرا می شویند و چرا شانه میزنند ؟ - از گوسفند چه فایده های دیگر میبریم ؟ - از کدام حیوانات دیگر پشم گرفته میشود ؟
- ۲- تکلیف - کارهایی که در پشم چینی میشود یکی یکی بنویسید بدین طریق : پشم را می شویند - پشم را شانه میزنند
- ۳- از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

بشیرلباسهای پشمی از پشم گوسفند است

نقاشی - از روی این شکل بکشید :





روباه و کلاغ

زاغکی قالب پیری دید

بدهان بر گرفت و زود پرید

بر درختی نشست در راهی

که از آن میگذشت روباهی

روبه پر فریب حیل ساز
 رفت پای درخت و کرد آواز
 گفت: به به! چقدر زیبایی!
 چه سری! چه دمی! عجب پایی!
 پروالت سیاه رنگ و قشنگ
 نیست بالاتر از سیاهی رنگ
 گر خوش آواز بودی و خوشخوان
 بندی بهتر از تو در مرغان
 زاغ میخواست قارقار کند
 تا که آوازش آشکار کند
 طعمه افتاد چون دهان بگشود
 رو بهك جست و طعمه را بر بود

۱. قصه گویی - این حکایت را بزبان خود برای همکلاسان بگویند.

۲. تکلیف - از روی این سرمشق چند بار بنویسید:

پروالت سیاه رنگ و قشنگ نیست بالاتر از سیاهی رنگ

و ماوند
۲۵ خرداد ۱۳۲۲

پسر عمو جانم

چند روز است که امتحان ما تمام شده و حالا تعطیل داریم تو هم البته امتحانهای خود را داده
و کاری نداری برای رفع خستگی خوب است بده با بیایی و تابستان را با ما باشی و اینجا
خیلی خوش خواب گذشت هوایا و جو تابستان خنک و آب فراوان است روزها با هم در
واطراف آن گردش می کنیم و از تماشای رودخانه و دانه کوه و چشمه سارها و چمنها و باغها
و کشتهزار لذت ببریم از رودخانه مایه میگیریم و در استخر آب تنی و در رودخانه شنا
می کنیم از درختهای باغ بدست خودمان میوه می چنیم گاهی هم در و گردن گندم و بریدن یونجه
و چیدن میوه و دوشیدن گاو و گوسفند و بزهای ما را ببینی و هر روز صبح شیر و سرشیر و
عسل و کره و تخم مرغ تازه و لهرها و شبها غذای ساده و سالم روستایی بخوری و وقتی
که بشیر بگیردی امیدوارم تندرست و خوشحال باشی

قربانت هوشنگ

خیلی خوشوقتیم که مرا بمنزل خودتان درده دعوت کرده‌ای همین دوسه روزه با اجازه
خانم جان و آقا جانم با کمال میل می‌آیم و دست عمو جانم را می‌بوسم اما در عوض تو هم باید قول
بدهی که در ماه شهریور بشهر بیایی و تا وقت یاز شدن مدرسه ما نزد ما باشی هر ای شهر حالاکرم
است اما در آن وقت رو بخیلی میگذارد در شهر هم چیزهای دیدنی بسیار است عصرها
با هم بگردش می‌رویم و می‌بینی که شهر چه کوچه ها و خیابانهای پهن و میدانهای باشکوه دارد و در
طرف خیابانها و دور تا دور میدانها مناره ها و دکانها و خانه های عالی و عمارت های دو طبقه
تا پنج طبقه ساخته اند بنا های عالی که در اینجا برای ادارات دولتی و دبستانها و
دبیرستانها و کتابخانه ها ساخته اند نظیرش در ده دیده نمی شود از همه بهتر بنای باشکوه مسجد
و مدرسه های قدیم است که از تاشای کاشی کاری دگر بزی و ستونهای سنگی و مناره ها
و گلدسته های زیبا و عالی آن سیر نمی شوی جمعیت مردم و درشکه و اتوبوس و اتوبوس
و دو چرخه که در خیابانها آمد و شد می کنند تماشا یی است و در مناره ها انواع خوراکیها و پارچه ها

ولو از م زندگی و اسباب بازی و تفریح می پنی که بنظم و ترتیب چیده اند و میتوانی آنها را
 از پشت شیشه تماشا کنی شبها چراغ برق کوچه ها و خیابانها و مغازه ها را مثل روز روشن
 می کند و مردم هم بعضی در خیابانها گردش میکنند و بعضی بسینما ها و کافه ها و تماشاخانه ها
 میروند یقین دارم که از تماشای این چیزها تو خیلی خوش میگذرد و وقتی که برای رفتن
 بدبستان بده بر میگرددی امید دارم که از شیر یادگارهای خوبی همراه ببری.

قربانت فریدون

پرسش ۱ - مطابق نامه هوشنگ کارهایی را که در ده میتوان کرد بگوئید
 چیزهایی را که میتوان دید بگوئید - چیزهایی را که بطور فراوان میتوان
 خورد بگوئید.

۲ - مطابق نامه فریدون چیزهای دیدنی در شهر کدام است؟ - بناها
 و مغازه های عالی کجا ساخته شده است؟ - مسجد ها و مدرسه های قدیم چه طور
 ساخته شده است؟ - رفت و آمد در خیابانها چه طور است؟ - چیزهای تماشایی
 دیگر در شهر ها چیست؟



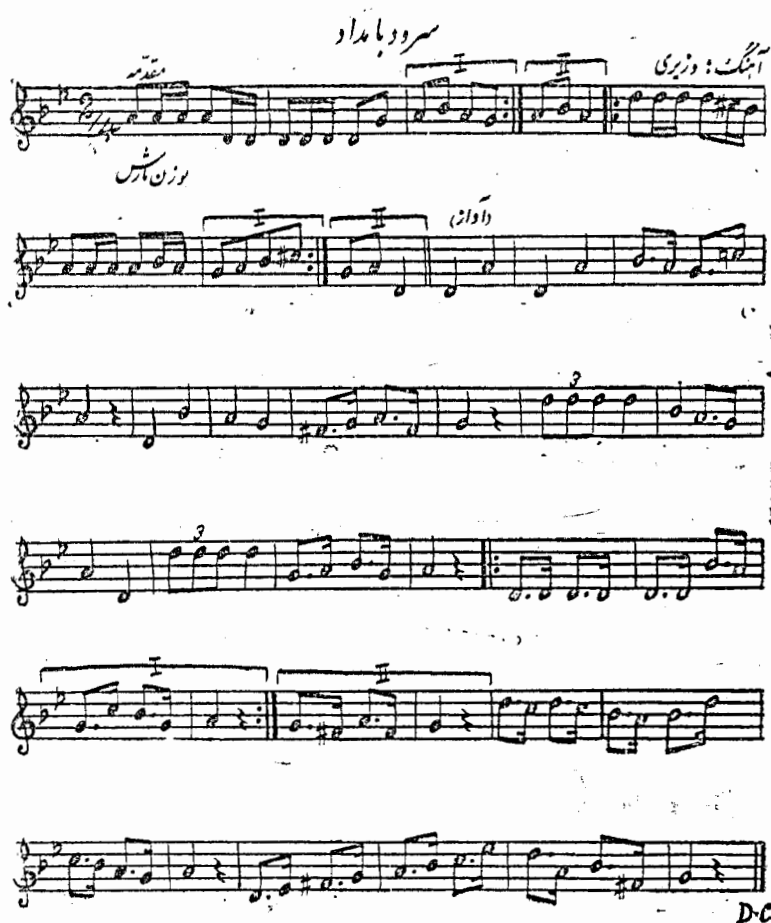
بامداد

روی خورشید از فراز کوه
 بیرون شد با فرو باشکوه
 سر بر آر از این خواب نو شین
 جلوه صبح اندکی بین
 چون وزد نسیم بامداد کوهسار
 خوش بود نظر بکوه و دشت و جویبار
 هر قدم که بر کنار سبزه مینهی
 از جنان دهد نسیم ضیحت آگهی



بر خیز اکنون موسم صفاست
 گر بر بالش سرنهی خطا است
 جان بتن آید در سحر گه
 چون گذاری يك قدم بره

در چنین هوای خوب و سبزه پر آب
 دیده گشاده بهتر از دو چشم خواب
 خستگی برون رود اگر که صبحدم
 با گروه دوستان خود زنی قدم
 (کل ۴ لای)



خدا

دانا خدای مهربان
 اندر زمین و آسمان
 هر چیز یا هر گونه کار
 باشد پیمیش آشکار
 هر کس بگوید حرف زشت
 جایش نباشد در بهشت
 آهسته گویی یا بلند
 داند خدای ارجمند
 هر روز و شب نامش بخوان
 منما خدا دور از زبان
 یزدان همیشه یار تو
 خشنود باد از کار تو
 ع - یمینی شریف

شرعیات

اصول دین و مذهب

اصول دین و مذهب پنج است : توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت .

توحید و نبوت و معاد اصول دین همه مسلمانان است و عدل و امامت از اصول مذهب شیعه است .

۱ -- توحید

توحید این است که خدا را یگانه و بی‌همتا بدانیم و بجز او چیزی را نپرستیم زیرا او است که جهان را بقدرت خود آفریده و ما و دیگر مخلوقات را از نیست بهست آورده است .

۲ -- نبوت

نبوت این است که پروردگار برای راهنمایی بندگانش پیغمبرانی فرستاده که اول آنها آدم و آخر آنها پیغمبر ما محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله میباشد کتابی که پیغمبر ما از جانب خدا آورده قرآن کریم است که آخرین کتاب آسمانی است اگر خداوند پیغمبران نمیفرستاد مردمان خوب را از بد نشناخته در گمراهی میماندند .

۳ -- معاد

معاد آن است که خداوند مردگان را در روز قیامت زنده ساخته نیکوکاران را بهشت میدهد و بدکاران را بدوزخ میفرستد .
اگر معاد نباشد مردمان پیاداش کارهای نیک و بد خویش نمیرسند و این خود از عدل الهی دور است .

۴ .. عدل

عدل آنست که خدا را عادل بدانیم و معتقد باشیم که او هیچگاه
ببندگان خود ظلم نمیکند بلکه پاداش خوب را خوب و جزای بد را
بدمیدهد.

۵ .. امامت

امامت این است که پیغمبر ما پس از خود دوازده تن را برای
راهنمایی امت خویش معین فرموده است :

اول علی بن ابی طالب علیه السلام
دوم امام حسن علیه السلام
سوم امام حسین علیه السلام
چهارم امام زین العابدین علیه السلام
پنجم امام محمد باقر علیه السلام
ششم امام جعفر صادق علیه السلام
هفتم امام موسی کاظم علیه السلام
هشتم امام رضا علیه السلام
نهم امام محمد تقی علیه السلام
دهم امام علی نقی علیه السلام
یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام
دوازدهم حضرت صاحب الزمان علیه السلام که غایب است و
روزی که ظاهر شود دنیا را پر از عدل خواهد کرد

عبادات

عبادات کارهایی است که مسلمانان باید بجا آورند تا خداوند از
آنها خشنود باشد عبادات از فروع دین و شماره آنها هشت است : نماز و
روزه و خمس و زکوة و حج و جهاد و امر بمعروف و نهی از منکر.

۱- نماز

بر هر کس واجب است در هر شبانه روز پنج مرتبه نماز بگذارد اوقات نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا است . نماز صبح دو رکعت است و نماز مغرب سه رکعت و باقی نمازها چهار رکعت است یکی از شرطهای نماز طهارت است وضو از جمله طهارتها است .

وضو - ترتیب وضو این است که با آب پاک و صاف دستها را بشویند آنگاه در دل قصد وضو کرده اول صورت را بشویند و بعد دست راست سپس دست چپ را از آرنج تا سرانگشتان و پیش از آنکه آب وضو خشک شود کف دست راست را بر پیش سر « بالای پیشانی » بکشند و بلا فاصله پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کنند .

نماز - پس از وضو ساختن نماز میخوانند بدن و جامه انسان در نماز باید پاک باشد لباس نماز گذار و جایی که نماز میگذارد باید غصبی نباشد و گر نه نماز درست نیست نماز چهار رکعتی را بدین طریق میخوانند که رو بقبله ایستاده نیت میکنند آنگاه دو دست را تا برابر گوشها بلند ساخته میگویند الله اکبر بعد سوره الحمد و قل هو الله میخوانند و بر کوع میروند و سه بار میگویند سبحان الله آنگاه ایستاده و بعد بسجده میروند و سر از سجده برداشته پس از لحظه بی نشستن دوباره بسجده میروند و در هر سجده سه مرتبه سبحان الله میگویند و پس از سجده دوم برخاسته رکعت دوم را شروع میکنند .

در رکعت دوم پس از خواندن حمد و سوره دو کف دست را

برابر صورت نگاه داشته این دعا را میخوانند : ربنا آتنا فی الدنیا حسنه
وفی الآخرة حسنة آنگاه بقرار رکعت اول رکوع وسجود بجا میآورند
و بعد از سجده دوم نشسته تشهد میخوانند .

تشهد این است : اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و
اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد
پس از تشهد برخاسته رکعت سوم را شروع میکنند .

در رکعت سوم بجای حمد و سوره سه بار میگویند : سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر .

آنگاه رکوع و سجود بجا آورده بر میخیزند و رکعت چهارم را
مانند رکعت سوم انجام میدهند .

در این رکعت که رکعت آخر است بعد از سجده دوم نشسته
تشهد میخوانند و آنگاه سلام داده از نماز فراغت حاصل میکنند .

سلام این است : السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

در نماز مغرب که سه رکعت است تشهد دوم و سلام را بعد از
رکعت سوم باید بجا آورد و در نماز صبح که دو رکعت است پس از تشهد
اول سلام میدهند .

۲- روزه

بر هر عاقل مکلفی واجب است که در ماه رمضان روزه بدارد یعنی
هر روز از طلوع فجر تا شامگاه چیزی نخورد و نیاشامد و از آنچه در
حال روزه جایز نیست پرهیزد روزه بر بیمار و مسافر و زنان شیر ده
و کسانی که روزه سبب رنجوری آنها میشود حرام است و بر پیران واجب
نیست .

۳- خمس

بر هر عاقل مکلف واجب است پنج يك از مال خود را بدستوری که در آیین اسلام معین است بامام و بسادات بدهد.

خمس را از گنج و غنیمت جنگ و منفعت تجارت و چند چیز دیگر میدهند.

۴- زکوة

زکوة این است که مقداری از مال خود را بدستور آیین اسلام بمستحقان بدهند زکوة دو قسم است زکوة مال و زکوة بدن زکوة مال از نه چیز داده میشرد گندم و جو و مویز و خرما و شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره. زکوة بدن این است که هرکس برای خود و برای هر يك از افراد خانواده خود در روز عید فطر يك من تبریز از خوراك غالب خویش یا قیمت آنرا بفقرا بدهد.

۵- حج

هرکس که عاقل و مکلف باشد باید در عمر خود يك بار بمکه رود و خانه خدا را بآدابی که پیغمبر ما صلی الله علیه و اله فرموده است زیارت کند بشرط آنکه توانایی داشته باشد.

۶- جهاد

بر هر مسلمانی واجب است که در وقت حمله دشمن اسباب جنگ ساز کند و دشمن را از خاک خود براند.

۷- امر بمعروف و نهی از منکر

هرکس باید مردمان را بکارهای خوب که خدا و پیغمبر فرموده اند وادارد و اعمال بد که نهی کرده اند باز دارد بشرط اینکه خوب و بد را بداند و سخنش پیشرفت داشته باشد و از گفتن آن ضرری بشخص او یا بمسلمان دیگر نرسد.

فهرست

شماره ترتیب	صفحه	شماره ترتیب	صفحه
۱- نخستین روز درس	۲	۲۰- بچه ها در زنگ تفریح	۴۹
۲- تکلیف را چگونه باید نوشت	۴	۲۱- هوا همه جا هست	۵۲
۳- بی سواد و عینک	۶	۲۲- غذا	۵۴
۴- موجود های زنده	۸	۲۳- سرمیز غذا	۵۸
۵- موش	۱۳	۲۴- غذا و بدن	۶۰
۶- جای پای شیر	۱۵	۲۵- راهنماهای ما	۶۴
۷- کوروش و همبازیهای او	۱۷	۲۶- سرما خوردگی	۶۷
۸- ماهی و صیاد	۱۹	۲۷- لباس زمستانی و تابستانی	۶۹
۹- خروس و سگ و روباه	۲۱	۲۸- خدمتگزار پیر	۷۱
۱۰- جغرافیا	۲۳	۲۹- قند و نمک	۷۳
۱۱- موجودات زنده - گیاهها	۲۵	۳۰- دریاچه و جزیره	۷۸
۱۲- سیب سرخ بزرگ	۲۹	۳۱- آشکندر و سرباز	۸۱
۱۳- آلو خراسانی	۳۲	۳۲- موادی که در آب حل میشود	۸۳
۱۴- آب و خاک	۳۴	۳۳- آب مایه زندگی است	۸۶
۱۵- تقسیم ملا	۳۶	۳۴- دریا و خلیج و شبه جزیره	۸۸
۱۶- تقسیم دیگر ملا	۳۹	۳۵- نیازمندی انسان بآب	۹۰
۱۷- عروسک بازی	۴۰	۳۶- خروس و روباه	۹۲
۱۸- موجودات - سنگها	۴۲	۳۷- آب در هوا	۹۵
۱۹- شاپور	۴۷	۳۸- گیاهها بآب نیازمندند	۹۷

شماره ترتیب	صفحه	شماره ترتیب	صفحه
۳۹- چرا تندرستم	۱۰۰	۵۲- بهوا کردن بادبادك	۱۳۴
۴۰- بچه خوب	۱۰۳	۵۳- جوی ورودخانه چشمه	۱۳۷
۴۱- گرد و غبار در هوا	۱۰۴	۵۴- كشور ایران	۱۴۰
۴۲- جلگه و صحرا	۱۰۷	۵۵- شهرهای ایران	۱۴۳
۴۳- دشت (سرود)	۱۱۰	۵۶- شهر طهران	۱۴۶
۴۴- امیر اسمعیل سامانی	۱۱۳	۵۷- هوش پادشاه	۱۴۹
۴۵- خود را گم نکنید	۱۱۴	۵۸- پشم چینی	۱۵۰
۴۶- حاضر جوابی	۱۱۶	۵۹- روباه و کلاغ	۱۵۳
۴۷- عید نوروز	۱۱۷	۶۰- نامه هوشنك	۱۵۵
۴۸- پرنده های خانگی	۱۱۹	۶۱- نامه فریدون	۱۵۶
۴۹- تخم مرغ	۱۲۴	۶۲- بامداد (سرود)	۱۵۸
۵۰- کوه و تپه	۱۲۷	۶۳- خدا	۱۶۰
۵۱- باد	۱۳۰	۶۴- شریات	۱۶۱

